

ستون اول

اعتلاء جنبش کارگری

اینک شعار شورا به خواست شورا تبدیل شده است و در فرایند مادیت یابی است. جنبش کارگری اینک به گام اعتلایی شکوهمند خویش پای نهاده است. پستوانه‌ی این بلندگی، ایستادگی و پیگیری درخشان کارگران در هفت تپه، مجتمع پولاد اهواز، سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران، ماشین سازی هپکو، آذر آب، کانون‌های سراسری آموزگاران و بازنشستگان به ویژه و نیز همایش‌های همه روزه و صدها گونه‌ی کارگران در سراسر ایران است. این جنبش، هرآینه سراسری می‌شود. سازمانیابی راستین سراسری سازمان‌های طبقاتی کارگران در ایران، طبقه کارگر را به مادیت پویا و تاریخی یک انقلاب نزدیک می‌سازد. این مادیت، کنشگرانه در حال از قوه به فعل آمدن است، تا پویندگی را به سوی خود رهایی پیوند زند. حکومت سرمایه، در برابر مارش انقلابی کارگران در شوش و اهواز، گردان‌های ویژه سرکوب را به‌سان آخرین چاره به میدان آورده است. دستگیری پیشتازان و چهره‌های کارگری بی اثر می‌ماند و به میدان آیی زنان و مردان کارگر دیگری را فرا می‌خواند. حضور پیشتازانه و شجاعانه زنان کارگر و پیشاهنگ، دوشادوش رفقای کارگر مرد خویش، شکوه جنبشی است. این جنبشی است طبقاتی که مستقل از باندهای حکومتی و تشکل‌های زرد سرمایه‌داری، به سوی سازمانیابی شورایی و طبقاتی خیز برداشته و درخشش آگاهمندی طبقاتی را به نمایش می‌گذارد. این جلوه‌یابی، با هزینه‌های نزدیک به نیم سده تا پای جان، زندان،



اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

با نیروی همبستگی طبقاتی، کارگران دستگیر شده را آزاد سازیم!

اطلاعیه مشترک نیروهای چپ و کمونیست

با اتحاد و همبستگی، کارگران دستگیر شده را آزاد سازیم!

اطلاعیه کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران

در باره اعتراضات کارگری و توده‌ای در ایران و وظایف ما در خارج از کشور

اعتصاب مدرسه‌ی پیشروی مبارزه‌ی طبقاتی



تحریم‌ها و جنگ و جدال دو نیروی ارتجاعی!



گزارش برگزاری پلنوم کمیته مرکزی کومه‌له



"روژ آوا" در سازندگی و مقاومت



اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران
به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان





اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

با نیروی همبستگی طبقاتی، کارگران دستگیر شده را آزاد سازیم!

بعد از دو هفته اعتصاب یکپارچه، برپایی تجمع های اعتراضی و راهپیمائی شکوهمند کارگران مجتمع صنعتی نیشکر هفت تپه در خیابان های شهرستان شوش، رژیم جمهوری اسلامی در هراس از گسترش دامنه این اعتراضات به شهرها و مراکز صنعتی دیگر با گسیل نیروهای سرکوبگر و یورش به صف متحد کارگران تعداد زیادی از کارگران را دستگیر و روانه بازداشت گاه کرده است. بنا به گزارش سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه یگان های ویژه گارد ضد شورش در جریان تهاجم خود اسماعیل بخشی و محسن آرمنند، دو تن از نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه و سپیده غلیان خبرنگار همراه آنان و ۱۶ تن از اعضای مجمع نمایندگان کارگری را دستگیر کردند. بنا به این گزارش دادستان داسرای عمومی و انقلاب شهرستان شوش پس از مراجعه وکیل کارگران به بازداشتگاه ستاد فرماندهی شوش، منکر این بازداشت های گسترده شده است و فقط به بازداشت ۴ تن از کارگران اعتراف کرده است. این گفته های ضد و نقیض، دادستان داسرای عمومی شهرستان شوش در مورد دستگیرشدگان خشم و نفرت کارگران را برانگیخته است.

دور جدید اعتصاب و تجمع اعتراضی و راهپیمایی کارگران نیشکر هفت تپه در حالی ادامه دارد که عدم پرداخت دستمزد کارگران و تورم و گرانی کمر شکن کرد را به استخوان خانواده های کارگری رسانده است. تاکنون واکنش دولت و کارفرما در برابر خواسته های کارگران و فریاد خشم و اعتراض آنها به این بی حقوقی ها، پشت گوش انداختن مطالبات کارگران، تهدید و سرانجام گسیل نیروهای سرکوبگر و ضرب و شتم و دسگیری فعالان و رهبران کارگران بوده است. کارگران در جریان راهپیمائی شکوهمند خود در خیابان های شهر شوش که در همانحال صحنه های پرشوری از حمایت توده های مردم را هم به نمایش گذاشت، با شعار "تهدید، زندان دیگر اثر ندارد"، "کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد" پیشاپیش اعلام کردند که تسلیم این تهدید ها و سرکوبگری ها نمی شوند. کارگران هفت تپه متحدانه و با بانگ رسا بارها اعلام کرده اند تا پرداخت کل دستمزدهای معوقه و پایان دادن به مالکیت خصوصی این مجتمع به اعتراضات خود ادامه خواهند داد. اگر چه اصلی ترین گزینه رژیم جمهوری اسلامی در رویارویی با مبارزات کارگران تهدید و بگیری و بند است اما روند رو به گسترش اعتصابات و اعتراضات و رشد روحیه همبستگی کارگران در یک سال گذشته باید به خشک مغزترین سران رژیم هم نشان داده باشد، که با تهدید و بازداشت و زندان نه تنها نمی توانند از گسترش این مبارزات جلوگیری نمایند، بلکه خشم و اعتراض کارگران را برافروخته تر می کنند.

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه روز دوشنبه بیست و هشتم آبان، در ادامه اعتراضات خود در شهرستان شوش راهپیمایی کردند و با برپایی تجمع اعتراضی در مقابل دادگاه این شهر و با سردادن شعار "زندانی هفت تپه آزاد باید گردد" خواستار آزادی بازداشت شدگان شدند. در این تردیدی نیست که کارگران نیشکر هفت تپه با مبارزه یکپارچه و متحدانه و سرسختانه خود که صحنه های پرشوری از آن را در روزهای اخیر به نمایش در آوردند، با دستگیری تعدادی از هم رزمان شان از مطالبات بر حق خود کوتاه نخواهند آمد. کارگران هفت تپه همچنان که در دو روز گذشته نشان داده اند به تجمعات و اعتراضات خود ادامه خواهند داد و با اتکا به نیروی خود و نیروی همبستگی طبقاتی سایر کارگران ایران که صحنه هایی از آن را در اعلام حمایت کارگران مجتمع صنعتی فولاد اهواز از کارگران هفت تپه شاهد بودیم، کارگران دستگیر شده را از بند رها خواهند کرد. در شرایط کنونی تداوم اعتراضات و اعتصابات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز و حمایت و پشتیبانی کارگران دیگر مراکز تولیدی و خدماتی در سایر نقاط ایران، گامی مهم در جهت پیشروی جنبش کارگری و جنبش های اعتراضی می باشد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۲۸ آبان ۱۳۹۷

۱۹ نوامبر ۲۰۱۸

شکنجه و شلاق همراه بوده و اینک شورآفرین شده است. رژیم ایدئولوژیک سرمایه، درمانده شده و در حال فروپاشی است. حاکمیت سرمایه، همه ی مانورهای خویش را در این ۴۰ ساله به ویژه در یک ساله گذشته در برابر جنبش کارگری به کار برده، و اینک راهی جز ظاهر شدن با یونیفورم و چهره واقعی خود ندارد. نیروهای ویژه «ضد شورش» چهره واقعی حکومتی است زخمی و دچار هذیان. دیگر نه وعده ی اصلاحات، پاسخ می دهد، نه جابجایی وزیر کار، نه وعده های پوچ و فریبنده حکومتگران و نه پرداخت قطره چکانی دستمزدهای عقب افتاده.

شعارهای کارگران اینک «مرگ بر این دولت مردم فریب!»، «زنده باد کارگر!» و «پشت به دشمن و رو به مردم!» و «نان، کار، آزادی!» و پیش به سوی شورا! می باشند و همزمان آگاهانه با شفافیت طبقاتی، پاسخ هایی کوبنده ای اند به ناسیونالیسم پوسیده. فریادهای خروشان شورآفرینان در هفت تپه و اهواز، فریادهای ارادمندانه ی طبقه کارگر ایران است. کارگران به میدان آمده اند تا چون رودی خروشان، در برابر سپاه سرمایه، اعلام کنند که «هنوز خواست های ما را جدی نگرفته اند!» و یکپارچه فریاد زنند:

«نه تهدید، نه زندان دیگر اثر ندارد!» کارگران در تسخیر میدان ها و خیابان ها و نمازهای جمعه، در برابر ارگان ها و نیروهای سرکوب حکومتی، اینک اعلام حضور طبقاتی دارند. شعار شورا، اینک نه تنها از سوی سازمان های سیاسی سوسیالیستی، بلکه در عمل از سوی زنان و مردان کار و در میدان زندگی و تولید، مادیت می یابد. مادیت یابی طبقاتی شوراهای انقلابی کارگران، نیرویی است شکست ناپذیر که انقلاب کارگری را در افق دارد.

جهان امروز



نصرت تیمورزاده

تحریم ها و جنگ و جدال دو نیروی ارتجاعی!

سوی آن امپریالیسم آمریکا و هم پیمانان غربی و منطقه ای آنها نظیر عربستان و ترکیه و در طرف دیگر امپریالیسم روسیه و رژیم های به غایت ارتجاعی ایران و سوریه و بالاخره گروه های تروریستی اسلامی که به تناوب مورد پشتیبانی مالی و لجستیکی دولت های در گیر در این جنگ خونین قرار می گیرند، جای گرفته اند. اینکه در این سخنان "تیلرسون" صحبتی از برجام پیش نمی آید بیش از همه ناشی از این امر است که آمریکا امید داشت که از طریق فشارها و تحریم هایی که همان موقع در مجلس سنای آمریکا تحت عنوان طرح "مقابله با اقدامات بی ثبات کننده ایران" تصویب شد که افزودن سپاه پاسداران به لیست نیروهای تروریستی، به عنوان استراتژی "مهاری"، به پیش ببرد. مضافا اینکه پاره کردن توافق نامه "برجام" یا باید از طریق همسو کردن همه امضاء کنندگان سند و یا از طریق اعلان جنگ به این امضاء کنندگان انجام می گرفت. استراتژی دولت ترامپ مبنی بر بازگشت به اقتصاد حمایتی و اعلان جنگ تجاری علیه متحدین غربی و رقبای چینی و روسی فضایی را بوجود آورد که بالاخره در هیجدهم اردیبهشت ترامپ خروج آمریکا از برجام را اعلام کرده و از این تاریخ دور جدیدی از جدال ها مابین آمریکا و جمهوری اسلامی آغاز گردید. جدالی که با همه سایه روشن هایش در جوهر خود در نهایت چیزی جز همسو شدن جمهوری اسلامی با سیاست ها و استراتژی آمریکا در منطقه نیست. اگر چه کشورهای سه گانه اتحادیه اروپا یعنی آلمان، فرانسه و انگلستان به تصمیم ترامپ انتقاد داشته و به "پابندی خود به برجام" تأکید کردند، ولی از نظر آنها هم نجات برجام در گرو مذاکرات تکمیلی درباره برنامه های موشکی و نقش ایران در منطقه است. همان زمان مکرون رئیس جمهور فرانسه و به اصطلاح قهرمان حفظ وحدت و دفاع از اتحادیه اروپا آشکارا گفت که در سفر به آمریکا نیز پیشنهاد مذاکره با جمهوری اسلامی در مورد برنامه های موشکی و سیاست های ایران را با ترامپ مطرح کرده است. او همچنین در یک گفتگوی تلفنی با پوتین یک بار دیگر اعلام کرد که: "ایران اجازه ندارد، هیچ زمان به سلاح اتمی دست پیدا کند، ثبات منطقه به این مسئله وابسته است و ما در این مسیر اقدام می کنیم". با وجود اینکه چند روز قبل از خروج آمریکا سخنگوی وزارت

تبلیغات انتخاباتی در ارتباط با سیاست خارجی امپریالیسم آمریکا در رابطه با ایران از پاره کردن سند برجام و انتقاد از سیاست های "مماشات جویانه" اواما بارها سخن گفته بود. با وجود این هیأت حاکمه آمریکا مجبور بود که استراتژی مربوط به سیاست خارجی خود را با توجه به واقعیت های توازن قوای موجود در سطح جهانی و در هر منطقه بحرانی تنظیم کند. این امر شامل استراتژی آمریکا در مورد ایران و بویژه تأثیرات حاصله از خروج از برجام بر مناسبات آمریکا و متحدین غربی اش و رقبای شرقی اش و کشورهای منطقه می گردید. هر چند که در اسناد ارائه شده به کمیته روابط خارجی آمریکا در فروردین ۱۳۹۶ از جانب کارشناسان متخصص امور خاورمیانه خطوط استراتژی آمریکا در ارتباط با ایران طرح شده و مورد بحث قرار گرفته بود، ولی رئیس اساسی این استراتژی را "تیلرسون" وزیر خارجه مستعفی ترامپ در سخنان بیست و چهارم خرداد سال گذشته در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان اعلام کرد. اگر حاشیه های سخنان وی را کنار بگذاریم در اینصورت در می یابیم که عنصر مرکزی در استراتژی آمریکا در ارتباط با ایران سیاست "مهاری" ایران است. او در توضیح این سیاست به مولفه هایی اشاره کرد. از جمله مهار "نقش برهم زننده ایران" در ثبات منطقه، مسلح کردن نیروهای شیعی و فرستادن "رزمندگان خارجی، صدور میلیشیا به سوریه، عراق، یمن و حمایت ایران از حزب الهش" و مهار کردن "توانایی ایران برای ساخت سلاح های هسته ای و موشک های بالیستیکی"، و بالاخره "تلاش برای حمایت از عناصری در داخل ایران است که به تغییر مسالمت آمیز رژیم منتهی شود".

تغییر استراتژی آمریکا از "رژیم چنج" دوره بوش به مذاکرات دوره اواما و اکنون سیاست مهار ایران را باید قبل از همه در ارتباط با نتایج حاصل از استراتژی شکست خورده آمریکا در خاورمیانه یعنی افغانستان، عراق، سوریه و لیبی دید. قربانی شدن میلیون ها انسان در این کشورها و نابودی تمام زیرساخت های این جوامع و عروج جریانات تروریست اسلامی، نتیجه بلافصل استراتژی آمریکا و متحدین غربی اش برای "سازماندهی نوین خاورمیانه" بود. آنچه که اکنون در همه این کشورها می بینیم جنگ های خونین نیابتی است که در یک

اگرچه موضوع تحریم های آمریکا علیه ایران دیگر مقام چندانی در مدیای جهانی ندارد. اما بدیهی است که این به معنای کاهش اهمیت آن نیست. هیچ لحظه ای نیست که مردم اثرات تحریم ها را بر سفره خود نبینند و هنوز هم هیچ روزی نیست که مقامات رژیم در مورد آن صحبت نکنند. از اینکه تحریم ها اثری ندارند، از اینکه آمریکا نمی تواند جلوی صادرات نفت ما را بگیرد، از اینکه اگر ما صادر نکنیم دیگران هم نمی توانند صادر کنند، از اینکه ما توسط نفتکش های رادار خاموش نفت را صادر خواهیم کرد، از اینکه آمریکا در حال افول و ایران اسلامی در حال پیشرفت است و لاف و گزاف هایی از این نوع همه روزه به گوش می رسد.

اما این لاف و گزاف ها در برخورد به واقعیت های مادی و زمینی رنگ می بازند. اثرات ویران کننده ای که تحریم ها از همان آغاز اعلام آنها در اردیبهشت ماه بر شتاب گرفتن تلاشی اقتصادی جامعه گذاشته بود، مسئله ای نبود که آنرا پنهان کرد. روحانی در نهم آبان ماه چند روز قبل از اجرائی شدن تحریم ها و در شرایطی که ارزش پول ایران سیصد درصد کاهش یافته بود مجبور می شود که اعتراف کند: "ممکن است در چند ماه گذشته مقداری بر مردم سخت گذشته باشد و در چند ماه آینده هم سخت بگذرد، اما دولت همه توان خود را برای کاهش مشکلات بکار خواهد بست". البته هم مردم و هم روحانی می دانند که روحانی "توان" چندانی برای کاهش مشکلات مردم ندارد. حتی قبل از شروع تحریم ها هم مردم هشاد در صد قدرت خرید خود را از دست داده بودند. تنها نکته جدید در این پیام روحانی این است که در ماه های آینده هم در بر همین پاشنه چرخیده و سفره مردم خالی خواهد ماند.

واقعیت این است که باندهای مختلف رژیم با تمام اختلافاتی که بر سر استراتژی چگونگی ادامه حیات داشته و دارند، ولی همواره راه چاره را در سازش با غرب و بویژه "شیطان بزرگ" و باز کردن راه جهت ورود سرمایه های خارجی جهت رهایی از بحران مزمن اقتصادی می دانستند، ولی ساختار سیاسی موجود در ایران نمی توانست و نتوانست شرایط لازم را جهت هجوم سرمایه به ایران مهیا سازد. به قدرت رسیدن ترامپ حتی امید اندک مقامات رژیم را نیز از آنان گرفت. ترامپ در جریان

خارج آلمان گفته بود که "توافق هسته ای با ایران محصول مذاکرات طولانی بوده و از این رو ممکن نیست که برخی از کشورهای حاضر در این مذاکرات اقدام به تجدید نظر و یا حتی جایگزینی این توافق با توافق دیگر کنند"، ولی بعد از اعلام خروج آمریکا از برجام، دولت آلمان هم صحبت از "تکمیل این قرار داد و گسترش آن به موشک های بالیستیکی و سیاست های منطقه ای ایران" می کند.

بنابراین روشن می شود که اختلاف اروپا و آمریکا همانگونه که مکرون می گوید نه بر سر "قرارداد تکمیلی برای کنترل سیاست های هسته ای، برنامه های موشکی و سیاست های ایران در سوریه، عراق یمن و لبنان" است، بلکه روشی است که باید جهت رسیدن به این قرارداد تکمیلی اتخاذ نمود. این اما همان موضوعی است که به معنای پایان دادن به تمامی رؤیاهای رژیم جمهوری اسلامی جهت تبدیل شدن به یک قدرت منطقه ای است. بیانیه رسمی دولت مبنی بر اینکه: "هیچ یک از مواد برجام و چارچوب زمانی آن که موضوع مذاکرات سیزده ساله بوده به هیچ شکلی قابل مذاکره نبوده" و اینکه "ایالات متحده نمی تواند به حضور قانونی جمهوری اسلامی در منطقه خود و حمایت مؤثر ایران از مردم سوریه و عراق تعیین تکلیف نماید"، بیان آشکار دل نگرانی رژیم و همان نکته مرکزی است که نه تنها آمریکا، بلکه کشورهای سه گانه اروپایی نیز بر آن پافشاری می کنند. بنابراین کاملاً روشن است که تقلاهای جمهوری اسلامی برای نجات برجام به کمک کشورهای اروپایی در صورتی موفقیت آمیز خواهد بود که جمهوری اسلامی خود را همسو با سیاست های آمریکا و دول اروپائی در منطقه کند.

واقعیت این است که خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم ها در دو مرحله با فاصله زمانی سه تا شش ماه در شرایطی انجام گرفت که رژیم در بدترین دوره حیات خود بسر می برد. تا جائیکه بیان خطر فروپاشی رژیم و شورش های توده ای از زبان سران باندهای رژیم به گونه های مختلف شنیده می شود. شروع دور اول تحریم ها با نوسانات بی سابقه ای در بالا رفتن قیمت دلار، سقوط جهشی ارزش پول و رشد تورم و در نتیجه عمیق تر شدن بحران اقتصادی و کاهش قدرت خرید مردم گردید. این دیگر فقط کارگران نبودند که بنا به گفته عضو شورای عالی کار قدرت خریدشان هشتاد درصد کاهش یافت و در نتیجه روز به روز سفره شان خالی گردید، بلکه علاوه بر آنها بخش زیادی از طبقه متوسط و حقوق و مزد

بگیران نظیر معلمان و پرستاران که به صورت عرفی وضعیت معاش نسبتاً بهتری داشتند، دیگر قادر به تأمین زندگی و معیشت خود و خانواده شان نبودند. اعتصاب و تحصن چندین باره و سرتاسری معلمان، اعتصاب بازاریان در شهرهای مختلف، اعتصاب کامیون داران همراه با رانندگان نمونه هایی از اعتراضاتی است که قشرهای پائینی طبقات متوسط را به تحرک وا داشت.

با شروع موج اول تحریم ها در اردیبهشت ماه بسیاری از شرکت های خارجی که قرارداد هائی برای سرمایه گذاری در ایران بسته و یا شروع به سرمایه گذاری نموده بودند، خود را عقب کشیدند. بطور نمونه یک هفته مانده به آغاز موج دوم تحریم ها در چهارم آبان، یک شرکت کره جنوبی اعلام کرد که از طرح ساخت یک مجتمع پترو شیمی با حجم بیش از نیم میلیارد دلار صرف نظر کرده است. در خردادماه هم یک شرکت دیگر کره ای که برنده مناقصه ساخت یک پالایشگاه نفتی به حجم دو میلیارد دلاری در ایران شده بود، از این قرارداد خارج شده است. بسیاری از مؤسسات مالی و صنعتی خروج خود را در شش ماه گذشته اعلام کرده اند. یعنی در این فاصله دستکم بیش از پنجاه مؤسسه مالی و صنعتی اعلام خروج از ایران نموده اند. در میان آنها کمپانی های عظیم اتومبیل سازی، انحصارات فعال در زمینه نفت و انرژی و همه بانک هایی که در سطح بین المللی فعالیت دارند، دیده می شوند. کافی است در نظر بگیریم که صادرات کشورهای اروپایی به آمریکا چهل و چهار برابر صادرات به ایران و واردات کشورهای اروپایی از آمریکا چهل و پنج برابر واردات از ایران است، لذا حتی کشورهای اروپایی که "پایبندی خود به برجام" را اعلام کرده اند نمی خواهند منافع کلان اقتصادی خود با آمریکا را فدای ایران کنند. حتی کشورهایی که مهمترین دریافت کنندگان نفت ایران بودند، در این فاصله واردات نفت خود از ایران را به مقیاس چشمگیری کاهش دادند. از چین و ژاپن تا هند و کره جنوبی، یعنی همان کشورهایی که جزء کشورهای هشت گانه هستند که از معافیت نسبی در مورد واردات نفت از ایران برخوردارند.

در واقع شش ماه گذشته فرصتی برای مؤسسات مالی و صنعتی بود که روابط تجاری خود با ایران را به حداقل برسانند. سفرهای وزیر خارجه و مشاور امنیتی ترامپ به کشورهای منطقه و هم چنین به کشورهای عمده خریداران نفت ایران میبایستی زمینه را برای تأثیر گذاری هر چه بیشتر موج تحریم ها مهیا می ساخت. جان بولتون مشاور امنیت ملی ترامپ در مورد هدف

آن کشور از تحریم های نفتی و مالی ایران گفته بود که: "ما می خواهیم حداکثر فشار را به آنها وارد کنیم و در عین حال مایل نیستیم به دوستان و متحدان خود آسیب برسانیم". او گفت که آمریکا درک می کند که: "این کشورها ممکن است قادر نباشند واردات نفت خود از ایران را فوراً به صفر برسانند". و نهایتاً دیدیم که هشت کشور از معافیت نسبی و با یک محدودیت زمانی روبرو شدند. همزمان اما آمریکا هشدار داد که شرکت هایی که به معامله با ایران ادامه دهند، مشمول تحریم های ثانویه خواهند شد. با وجود اینکه در موج اول هنوز صادرات نفت ایران مورد تحریم قرار نگرفته بود، ولی تا آغاز موج دوم تحریم ها در چهاردهم آبان صادرات نفت ایران به یک میلیون و سیصد هزار بشکه کاهش یافت. در صورتیکه صادرات نفت ایران قبل از خروج آمریکا از برجام بالغ بر دو میلیون پانصد هزار بشکه در روز رسیده بود.

در موج دوم تحریم ها، آمریکا اهداف سه گانه ای را تعقیب می کند. اول کاهش درآمد ایران تا حد ممکن، که باید از طریق به حداقل رساندن صادرات نفت ایران انجام گیرد و همزمان بازار جهانی نفت را با نوسانات روبرو سازد. دوم کاهش مبادلات مالی و بانکی و سوم فلج کردن بخش حمل و نقل.

نیاز چندانی نیست که متذکر شد با توجه به نقش محوری که صادرات نفت در اقتصاد ایران دارد، کاهش آن به این درجه و یا ادامه این کاهش در ماه های آینده چه تبعات سنگینی بر اقتصاد عمیقاً بحران زده ایران خواهد گذاشت. مرکز پژوهش های مجلس رژیم رشد اقتصادی ایران را در سال ۱۳۹۷ با توجه به نتایج تحریم های آمریکا بین منفی نیم در صد و منفی دو و هشت دهم درصد پیش بینی کرده است. و بنابراین با کاهش در آمد نفتی در ماه های باقیمانده امسال، دولت مجبور است تا با استقراض از بانک مرکزی و یا برداشت از صندوق خرید ارزی با کسری موازنه بودجه مقابله کند و این خود یعنی افزایش تورم. و بی جهت نیست که آشکارا صحبت از تورم پنجاه تا شصت درصدی می شود و اولین معنای این درجه از تورم چیزی جز کاهش بیشتر قدرت خرید مردم نیست.

در ارتباط با هدف دوم ترامپ یعنی کاهش مبادلات مالی و بانکی با خارج باید گفت که علاوه بر محرومیت ایران از استفاده از سیستم "سوئیفت" می دانیم که پنجاه بانک و شرکت های تابعه ی آنها یعنی در مجموع هفتاد مؤسسه مالی از جمله بانک ملی و بانک های وابسته به آن، بانک صنعت و معدن، بانک سپه، بانک صادرات، بانک تجارت

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می شود!

سر دبیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هیئت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با
کمیته تشکیلات دلال کشور
حزب کمونیست ایران

h.faalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱
۰۰۴۶۷۳۷۲۷۶۷۶۹
۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلات
دلال کومه له (تکلیف)

takesh.komalah@gmail.com

مذاکره را نمی بندد. سخنان وزیر خارجه رژیم مبنی بر اینکه "اگر آمریکا رویکرد خود را در قبال توافق هسته ای تغییر دهد، تهران گفت و گوهای دیپلماتیک با آمریکا را برای یک توافق جدید مد نظر قرار می دهد" بیان همین امر است.

واقعیت امر این است که باندها و سران رژیم که در مراکز کلیدی نشسته اند، آسیب چندانی از این وضعیت نخواهند دید. با وجود همه تحریم ها و محدودیت ها، آنها راه های چنگ انداختن به همین حداقل درآمدهای نفتی را می دانند. بی جهت نیست درست در بحبوحه همین تحریم ها، مسئله پول شویی به یکی از جدال های باندهای رژیم در روزهای جاری تبدیل گشته است. مردم گم شدن دکل های نفتی، دزدی ها و اختلاس های میلیاردی درآمدهای نفتی را در دوره قبل از برجام از یاد نبرده اند.

بدون تردید آغاز تحریم ها آغاز یک دوره جدید از جنگ و جدال بین آمریکا و جمهوری اسلامی است. در دل این اوضاع رژیم کوشش خواهد کرد از سویی وخیم تر شدن اوضاع اقتصادی را به گردن تحریم ها انداخته و شانه از زیر بار پاسخ دادن به مطالبات معیشتی مردم خالی کند و از سوی دیگر کوشش خواهد کرد که با هیاهو و تبلیغات گسترده که گویا آمریکا یک جنگ اقتصادی علیه مردم راه انداخته است، بخش هایی از جامعه را بدور خود جمع کند. همزمان اپوزیسیون بورژوازی و احزاب و نیروهای ناسیونالیست که امیدشان را به جابجایی قدرت از بالا و بر فراز سر مردم به دخالت های امپریالیسم آمریکا بسته اند، جهت باز گشت به قدرت بیتابی می کنند و در رؤیای شریک شدن در بهره کشی از مردم و غارت ثروت های جامعه بسر می برند. برخی از اینها حتی بی شرمانه از تحریم ها دفاع می کنند. مردم اما نباید وارد این جنگ و جدال شوند. این جدال ربطی به منافع مردم نداشته و جدالی مابین دو نیروی ارتجاعی است. امید بستن به هر کدام از این دو نیرو برای مردم هلاکت بار خواهد بود. پایان دادن به تلاشی اقتصادی و رهایی از همه نابسامانی های اجتماعی موجود در گرو سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. اعتصابات کارگری در بعد سراسری و اعتراضات توده ای خاکریزهایی هستند که می توانند جامعه را به سوی شرایط اعتلای انقلابی سوق دهند. و این تنها راه پایان دادن به نظم ستمگرانه و استثمارگرانه جاری است. راه دیگری نداریم و هیچ دلیلی ندارد که به این فقر، بهره کشی و تلاشی جامعه تن در دهیم.

هیجدهم نوامبر ۲۰۱۸
بیست و هفتم آبانماه ۱۳۹۷

ایران و اروپا، پست بانک، بانک تجارت، مؤسسه مالی غدیر وابسته به ستاد اجرایی فرمان امام و نود و دو شرکت تابعه آن در لیست تحریم های موج دوم آمریکا قرار گرفته اند. همزمان کوششهای مشترک رژیم و دولت های اروپائی برای ایجاد یک "کانال ویژه ساز و کار مالی" که بتواند تسهیلاتی برای شرکتهای متوسط و کوچک اروپائی جهت مبادلات تجاری با ایران فراهم سازد، چندان موفقیت آمیز نبوده است. تا این لحظه هیچ کشور اروپائی آمادگی خود را برای میزبانی این کانال مالی اعلام نکرده است.

اگر به دو مورد فوق تحریم سازمان انرژی اتمی و بیست و سه شرکت وابسته به آن، بخش حمل و نقل از جمله ایران ایر و کشتیرانی و هفتصد شخصیت حقیقی و حقوقی که گفته می شود تعدادی از آنها در دوره تحریم های قبل از قرارداد برجام نقش مهمی در دور زدن تحریم ها داشته اند، در این صورت آشکارا می توان گفت که این دوره از تحریم ها شدیدترین تحریم هایی است که جمهوری اسلامی با آن روبرو شده است. بی جهت نیست که از سیاست "فروش نفت در مقابل دارو و غذا" صحبت به میان می آید. این همان سیاستی است در عراق بکار برده شد که نتیجه آن حداقل مرگ و میر بیش از نیم میلیون کودک در دوره محاصره این کشور بود.

واقعیت این است که رژیم اهرم های زیادی برای دور زدن تحریم ها ندارد. لاف و گراف های رژیم مبنی بر اینکه همه چیز در کنترل است، لفاظی های پوچی هستند که برای هر ناظر بی طرفی آشکارند. همین امر و تجربه تاریخی هم نشان می دهد که جمهوری اسلامی همواره سر بزنگاه ها مجبور به تمکین و "نوشیدن جام زهر" گردیده است. این را ما در ماجرای گرونگان گیری کارکنان سفارت آمریکا، سپس در جنگ ارتجاعی هشت ساله و پذیرش قطعنامه سازمان ملل و بالاخره در قرارداد برجام دیدیم. آن همه هیاهو که "انرژی هسته ای حق مسلم ماست" و میلیاردها دلاری که هزینه این بلند پروازی های رژیم گشته بود، ناگهان دود شده و به هوارفت. اکنون نیز راه حل دیگری برای رژیم باقی نمی ماند بویژه آنکه رژیم از درون هم مورد تهاجم اعتراضات گسترده کارگری و توده ای قرار گرفته است.

در واقع تحریم ها از سویی تحت فشار گذاشتن رژیم به منتهای درجه و همزمان باز گذاشتن کانال مذاکره است. اینکه ترامپ همزمان با وجود تحریم هایی چنین گسترده می گوید که هر لحظه و هر کجا آماده مذاکره با مقامات رژیم است و اینکه هشت کشور بطور نسبی معاف می شوند، مولفه هایی از باز گذاشتن کانال مذاکره است. دولت جمهوری اسلامی هم در حین رجز خوانی های شبانه روزی و تهدیدات فرماندهان سپاه راه

فرشید شگری

اعتصاب مدرسه‌ی پیشروی مبارزه‌ی طبقاتی

آغاز هر اعتصاب کارگری - که مبین اقدامی سازماندهی شده و درجه‌ای از تشکل است - توجه توده‌های تحت ستم را بسوی خود جلب می‌نماید، و در روحیه‌ی آنان برای مبارزه تأثیر می‌گذارد.

ارزش یک اعتصاب به ویژه هنگامی که به خیابان یا به خارج از محوطه‌ی کارخانه و کارگاه کشیده شود، و آنگاه با همراهی خانواده‌های کارگران اعتصابی و سایر کارگران و ستمدیدگان کشور توأم گردد (نمونه‌ی هفت

تپه و گروه ملی فولاد اهواز)، از موفقیت آن درخور تأملتر است زیرا این عمل به سبب اثر گذاری بر فضای جامعه و تقویت روحیه‌ی توده‌های فرودست در ستیز با حاکمین، هزینه‌ی سیاسی غیر قابل جبرانی برای سرمایه‌داران و رژیم‌شان دارد که بمراتب زیادتیر از هزینه‌ی اقتصادی‌شان است. بنابر این، ارزش واقعی اعتصابات کارگری صرفاً به دستاوردهای اقتصادی‌شان خلاصه نمی‌شوند و دارای نتایج سیاسی و معنوی مهمی نیز هستند.



* پیداست، در زمان وقوع یک اعتصاب، کارگران مطالبات معینی همچون افزایش دستمزد، پرداخت دستمزدهای معوقه، پرداخت بیمه درمانی، کم کردن ساعات کار، تأمین ایمنی محیط کار و غیره را طرح می‌کنند و برای دستیابی به این خواسته‌ها، کارفرما یا صاحب کار را به مصاف می‌طلبند. کارگران معترض در حین اعتصاب به خوبی درمی‌یابند، چنانچه متفق القول و متحدانه روی خواسته‌های مطروحه تا پایان کار پافشاری نکنند، اعتصاب‌شان بسادگی توسط عوامل سرمایه‌دار در محل، و یا نیروهای نظامی و انتظامی قابل شکستن است. لذا همانگونه کلاسیک‌های مارکسیست گفته‌اند، آنچه صرف نظر از ظاهر اعتصاب اتفاق می‌افتد، این است که همه‌ی کارگران اعتصابی فارغ از زبان و ملیت و جنسیت، و عقاید مذهبی، و... بازو در بازوی همدیگر گوشه‌ای از «اتحاد طبقاتی» توده‌های پرولتر را در برابر استثمارکنندگان و نمایندگان سیاسی آنان به نمایش می‌گذارند. ◀

تغییر می‌کنند... وقتی کارگران تقاضاهای خود را بصورت دسته‌جمعی بیان کنند و حاضر به تسلیم شدن در برابر خر پول‌ها نشوند، بردگی آنها بسر می‌آید، تبدیل به انسان می‌شوند، شروع می‌کنند به درخواست این که زحمت آنها نباید فقط در خدمت ثروتمند کردن چند تن پرور باشد، بلکه باید آنهایی را که زحمت می‌کشند هم قادر سازد که مثل انسان‌های واقعی زندگی کنند... هر اعتصابی بیاد سرمایه‌دار می‌اندازد که کارگران و نه آنها آقایان واقعی

طی هفته‌ها و روزهای اخیر مجدداً ناظر چندین اعتصاب باشکوه در ایران بوده‌ایم. اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد اهواز، و اعتصاب سراسری معلمان، نمونه‌های برجسته‌ی چالش‌های کارگری در این مدت اند که همگان در جریان چند و چون این مبارزات قرار دارند.

واقعیت این است که، سیاست‌های ضد کارگری رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، و پیامدهای اجرای سیاست اقتصادی

نئولیبرالیستی، در زمره‌ی عوامل اصلی رشد و گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری در اغلب مراکز تولیدی و خدماتی کشور می‌باشند. سیر صعودی آمار پیکارهای کارگری علی‌الخصوص در سال‌های گذشته، و عروج رادیکالیسم در آن برآمدها، نقطه‌عطفی در تاریخ جنبش کارگری ایران محسوب می‌گردد.

نویسنده‌ی این مقاله قصد ندارد بیش از این روی سازه‌ها و دلایل رشد مبارزات

کارگری در ایران تمرکز کند، و یا به طور مشخص به تفسیر و تحلیل این حرکت‌های غرور آفرین کارگری بپردازد. بواقع در این سطور، برخلاف دیدگاه‌های "رفرمیست‌ها و اکونومیست‌ها" که اهمیت یک اعتصاب کارگری را تنها به تحقق مطالبات صنفی و رفاهی کارگران - از طریق آن - محدود می‌کنند، مختصراً به تأثیرات، و درس‌های ارزشمندی که یک اعتصاب برای کارگران دربر

دارد، پرداخته می‌شود. قبل از هر سخنی در خصوص درس‌های نهفته در اعتصابات کارگری در نبرد با سرمایه‌داران و دولت‌های آنان، جا دارد فزاینده‌ی سخنان لنین را نقل کنیم که در اینباره نوشت: «در هر صورت اعتصابات که ناشی از خود طبیعت جامعه‌ی سرمایه‌داری اند از آغاز مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر بر ضد این نظام جامعه‌خبر می‌دهند. روبرو بودن سرمایه‌داران با کارگران منفرد و بی‌چیز یعنی بردگی مطلق کارگران. ولی وقتی کارگران بی‌چیز با هم متحد شوند اوضاع

* در ادامه‌ی این نکات آموزنده لازم به گفتن است که، اگر دست کشیدن از کار و متوقف کردن چرخ‌های تولید، مؤثرترین وسیله و یا شیوه‌ی مبارزه به منظور تحمیل مطالبات صنفی به کارفرمایان و باز پس‌گیری حقوق تضییع شده‌ی آنها می‌باشد و به سان سلاح کارایی در مقابل تعرضات صاحبان سرمایه و دولت‌شان، عمل می‌کند، و اگر به قول لنین اعتصابات کارگری «مکتب جنگ» هستند، از جانب دیگر، پیکارهای کارگری باعث تقویت و پویایی فضای مبارزاتی جامعه می‌شوند.

کارگران اصولاً نمی‌توانست وجود داشته باشد. این آگاهی فقط از خارج ممکن بود وارد شود. تاریخ تمام کشورها گواهی می‌دهد که طبقه‌ی کارگر با قوای خود منحصرأ می‌تواند آگاهی تردیونیونیستی حاصل نماید، یعنی اعتقاد حاصل کند که باید تشکیل اتحادیه بدهد، بر ضد کارفرمایان مبارزه کند، و دولت را مجبور به صدور قوانینی بنماید که برای کارگران لازم است، و غیره. ولی آموزش سوسیالیسم از آن تئوریهای فلسفی، تاریخی و اقتصادی نشو و نما یافته است که نمایندگان دانشور طبقات دارا و روشنفکران تتبع نموده اند.» (خطوط تأکید از من است.)

در پایان این سطور اضافه می‌شود که، استمرار و گسترش پیکارهای طبقه‌ی کارگر در بیش از یک دهه‌ی گذشته بویژه در این یک سال، مهار جنبش کارگری را برای رژیم بورژوا - اسلامی ایران و ارگان‌های سرکوبگر آن دشوارتر کرده اند. اعتراضات بی‌وقفه‌ی طبقه‌ی کارگر علاوه بر اینکه جناح‌های مختلف بورژوازی حاکم را به هراس انداخته، بخش‌هایی از اپوزیسیون بورژوازی جمهوری اسلامی را هم واداشته تا خود را به طبقه‌ی کارگر آویزان کنند و از مبارزات کارگری در نهایت ریاکاری برای به صف کردن کارگران در پشت سر خود، پشتیبانی به عمل آورند. این داده‌های عینی به ما می‌گویند که، جنبش کارگری ایران به مرحله‌ی بی‌نهایت حساسی از تاریخ خویش پا گذاشته است. کوچکترین غفلت و قصور نیروهای چپ و کمونیست از وظایفی که در قبال این جنبش بر عهده دارند، به زیان مبارزات طبقه‌ی کارگر و تهیدستان جامعه خاتمه می‌یابد. در بطن این اوضاع، همگرایی و همکاری مضاعف جریانات چپ و کمونیست برای تقویت آلترناتیو سوسیالیستی، و کار جدی‌تر فعالین و کُنشگران رادیکال جدید و باتجربه‌ی جنبش کارگری در راستای اتحاد و همبستگی سراسری کارگران ایران، افزایش روابط فی مابین در گوشه و کنار کشور، و راه اندازی اعتراضات و اعتصابات مشترک، رؤس اصلی وظایف مبارزاتی در این مقطع می‌باشند.

۱۱/۲۲/۲۰۱۸



تضاد میان کار و سرمایه که خصوصیت اصلی همه‌ی جوامع بورژوازی است، و افضلتر از این، به ماهیت طبقاتی دولت و فلسفه‌ی وجودی نهادهای آن، پی ببرند. پی بردن به این حقایق و حصول آگاهی سوسیالیستی مانع از قوت گرفتن آراء و افکار انحرافی و غیر مارکسیستی ای می‌شود که چپ‌های پوپولیست و لیبرال در امتداد اهداف معین و معلوم‌شان، فرصت طلبانه با سوء استفاده از روندهای سیاسی کنونی جامعه روی تضاد آشتی‌ناپذیر میان دو طبقه‌ی اصلی جامعه [و ماهیت دولت‌های بورژوازی اعم استبدادی و دموکرات] سرپوش می‌گذارند و می‌گویند، باید طبقه‌ی کارگر از طبقه‌ی خود به "طبقه‌ی برای اجتماع" تبدیل شود!

به هر صورت، شکی نیست که برداشته شدن گام‌های بلندتر به سمت شناخت و فهم اقتصاد سیاسی، و آماده شدن کارگران به منظور در پیش گرفتن مبارزه‌ی انقلابی و آشتی‌ناپذیر بر ضد کار مزدی و نظام سرمایه‌داری تارهایی کامل از ستم و استثمار طبقاتی، به «کُنش و فعالیت آگاهگرانه‌ی» عناصر پیشرو یا کارگران کمونیست در متن مبارزات کارگران بستگی دارد.

لنین در کتاب چه باید کرد در این باره گفت: «ما گفتیم که آگاهی سوسیال دموکراتیک در

همین «اتحاد» و اتکاء به نیروی خود که در اعتصاب هفت تپه و فولاد به بارزترین شکل دیده شد، یقیناً گواه بر وصول و ورود کارگران به «سطحی از آگاهی طبقاتی» است. آگاهی طبقاتی که همانند پرورده شدن «رهبران کارگری جدید» در دل اعتصاب و اعتراض در محیط‌های کار و زحمت نمود می‌یابد، می‌تواند نطفه‌های اولیه‌ی «همبستگی و اتحاد سراسری» توده‌های استثمار شونده برای مصاف نهایی با وضع موجود را شکل دهد.

* گذشته از موضوع اتحاد، در جریان یک اعتصاب یعنی آن موقعی که کارگران با مقاومت و برخورد صاحبکار و دخالت دستگاه سرکوبگر رژیم مواجه می‌شوند، لزوم کار جمعی و شورایی، و «متشکل شدن» در تشکل‌های طبقاتی و سراسری خودشان را بیشتر درک می‌کنند و به این حقیقت راه خواهند یافت که در چارچوب چنین تشکلات و نهادهایی است که قدرتمندتر ظاهر می‌گردند و قادر می‌شوند سرمایه‌داران و رژیم‌شان را ناچار به پذیرش مطالبات‌شان کنند. اعتراضات و اعتصابات کارگری بستر بسیار مناسبی را چه از لحاظ ذهنی، و چه از لحاظ عملی، برای تشکل‌یابی توده‌های کارگر فراهم می‌آورند. رفتن به سمت سازمانیابی طبقاتی و توده‌ای در جایگاه یک نیاز مبارزاتی مبرم و حیاتی، اساساً رابطه‌ی مستقیم و تنگاتنگی با جدال‌های کارگری دارد.

و اما، با همه‌ی آنچه که در رابطه با آموزش‌های اعتصاب تقریر شد، تأکید روی این مسأله یا مطلب واجب است که، هر چند کارگران از مجرای اعتراضات و اعتصابات‌شان و یا در میدان نبردهای متحدانه علیه سرمایه‌داران به مرور به سطحی از آگاهی و اهمیت تشکل‌یابی برای گرفتن حقوق حقه‌ی خود می‌رسند، ولیکن برای ورود به مسیر مبارزات ضد سرمایه‌داری، و به تبع آن احراز قدرت سیاسی و برپایی سوسیالیسم بایستی «از طبقه‌ی درخود به طبقه‌ی برای خود مبدل شوند تا از طبقه‌ی برای سرمایه‌داری خارج گردند». این امر وقتی ممکن است که پیش از هر چیز کارگران عمیقاً به تضاد منافع طبقاتی خود با کارفرما و در کل

نماینده‌ی کومه‌له در خارج کشور

K.K. P.O.Box 75026
750 26 Uppsala - Sweden
Fax: 004686030981
representation@komalah.org
Tel: 0046 8 6030981

کمیته خارج کشور

0046-707 254 016
kkh@cpiran.org

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I. Box 2018
127 02 Skärholmen
SWEDEN
dabirxane.cpi@gmail.com

آدرس‌های حزب

کمونیست ایران

و کومه‌له

گزارش برگزاری پلنوم کمیته مرکزی کومه له منتخب کنگره ۱۷



است که در مقایسه با روسیه و آمریکا توان نظامی محدودتری دارد. از هم اکنون دولت آمریکا نگران تشکیل بلوک چین- روسیه است، که چنانچه شکل بگیرد، همدیگر را تکمیل خواهند کرد و بدون تردید قدرت اول جهان خواهند بود. در عین حال چین رقابتهای خود را با بلوک بندیهای دیگر در عرصه اقتصادی متمرکز کرده است. هم اکنون به آرامی و با پرهیز از جنجالهای تبلیغاتی سرمایه گذارهای کلانی در آفریقا و در آمریکای مرکزی در زمینه زیر ساختهای اقتصادی را آغاز کرده است. اتحادیه اروپا در تلاش است سیستم امنیتی خود را مستقل از آمریکا تجدید سازمان کند، همچنین تلاشهایی در جریان است تا بار دیگر بریتانیا را به اتحادیه اروپا متصل کند. در کنار جدال و رقابت ابرقدرتها، قدرتهای محلی مستقل سر برآورده اند، که هرکدام خواهان سهم خود در تقسیم کار جهانی هستند. این واقعیتها نشان می دهند که تصویری دیگری در مناسبات بین قدرتها، متفاوت از آنچه تا کنون بوده است در حال شکل گیری است.

سوم، بحران ایدئولوژیک. متفکرین جهان سرمایه داری هیچ استراتژی روشنی پیش پای این نظام نمی گذارند. لیبرالیسم شکست خورد و نئولیبرالیسم هم نتوانست راه نجات را نشان دهد. میلتون فریدمن ها نظریه پردازان نئولیبرالیسم قلم هایشان را غلاف کرده اند. فوکویاما که پس از سقوط بلوک شرق از اندیشه لیبرال دموکراسی به عنوان آخرین شکل حکومت بشری سخن می گفت، اکنون به نفی دیدگاههای گذشته خود می پردازد و راه نجات از این گرداب را در گرویدن به نوعی سوسیالیسم با تلقی که خود از آن دارد، جستجو می کند.

چهارم، بحران محیط زیست، این بحران به شکل خطر ناکی نه تنها آینده بشر بلکه زندگی امروزش را نیز تهدید می کند. تولید روز افزون گازهای گلخانه ای و افزایش دمای زمین و آب شدن یخهای قطبی، تعادل زیست محیطی کره زمین را به هم زده است. دولت آمریکا به مثابه بزرگترین لطمه زندگان به محیط زیست، با محدود نگرسی سودجویانه اش به هیچ تعهد و پیمان بین المللی پایبند نیست. در زمینه آلودگی ها، کار به جایی رسیده است که اگر تا دیروز قطعات پلاستیک را در شکم آبزیان پیدا می کردند، امروز دهها تحقیق پزشکی وجود دارد که ذرات میکروسکوپی پلاستیک در معده و روده انسانها را نشان می دهد.

پنجم، بحران پناهندگی، بیش از ۶۰ میلیون انسان در درون کشورهایشان و در بیرون از آن در نتیجه جنگ و فقر و سرکوبگری و بی حقوقی آواره هستند و در جستجوی سرپناهی خود را به آب و آتش می زنند. تاسیس کمپهای ضد بشری دولتهای اروپایی در سواحل شمال آفریقا، نتوانست جلو حرکت پناهندگان به سوی اروپا را سد کند. تنها در فاصله دو پلنوم نزدیک به دو هزار پناهنده در آبهای مدیترانه غرق شدند. اردوگاه مانوس در استرالیا به کمپ مرگ برای پناهندگان تبدیل شده ←

روز شنبه پنجم آبان ماه سال ۱۳۹۷ برابر با بیست و هفتم اکتبر ۲۰۱۸، پلنوم چهارم کمیته مرکزی کومه له منتخب کنگره ۱۷، با حضور اعضا کمیته مرکزی کومه له، با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد جانبازان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. در این پلنوم مطابق معمول، اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران نیز به عنوان ناظر شرکت داشتند. دستور جلسات پلنوم عبارت بود از بررسی گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته رهبری کومه له و تقسیم کار درونی کمیته مرکزی. بخش اول این نشست به بحث پیرامون گزارش سیاسی کمیته رهبری کومه له به پلنوم اختصاص یافت. نگاهی گذرا به اوضاع عمومی جهان، بررسی اوضاع خاورمیانه، تحولات سیاسی جدید در ایران، سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و پروسه شکل گیری آلترناتیو سوسیالیستی، سناریوهای احتمالی بورژوازی، دورنمای اوضاع سیاسی کردستان و اولویتهای ما، عناوین اصلی گزارش سیاسی را تشکیل می دادند. پلنوم در بحث پیرامون اوضاع سیاسی جهان بر چند بحران جدی که امروز جهان سرمایه داری جهانی با آن روبرو است تاکید نمود:

اول، تداوم بحران اقتصادی. همانگونه که در پلنوم قبل نیز تاکید شده بود، اکنون دیگر بحران ادواری به بخشی از ساختار جامعه سرمایه داری تبدیل شده است. درهم ادغام شدن بازارهای جهانی در زمینه های تجارت و سرمایه گذاری، تمرکز هر چه بیشتر سرمایه در دست کارتل ها و تراستهای چند ملیتی، مرزهای ملی را در نوردیده است و قدرت مانور دولتها در برابر نیرو درونی که این روند از آن برخوردار است، بسیار محدود شده است. این روند توانایی دولتها را برای مقابله با بحران اقتصادی در مقایسه با ده سال گذشته کاهش داده است. سران دولتهای سرمایه داری با اذعان به تداوم بحران ۲۰۰۸، اعتراف می کنند که اکنون در مقایسه با ده سال پیش ابزارهای محدود تری برای مقابله با بحران در اختیار دارند. جابجایی و انتقال سرمایه اخذ مالیات از شرکتهای چند ملیتی را برای دولتهای معین دشوارتر کرده است. بعلاوه اگر در سال ۲۰۰۸ ایالات متحده آمریکا و اروپا برای نجات بنگاهها هر چه خواستند از ثروت عمومی و از کیسه مردم خرج کنترل بحران کردند، امروز دیگر مردم کشورها بیش از این کاهش خدمات عمومی را نمی پذیرند و در نتیجه توان این گونه سخاوتمندیهای دولتها نیز بسیار محدود شده است. جنگ تجاری بین دولتها روندی فرعی و خلاف جریان است. این روند به حکم شرایط عینی جهانگیری سرمایه نمی تواند دیر پا باشد. اما تداوم این بحران می تواند به تشدید مسابقه تسلیحاتی و بر پائی جنگهای محلی و منطقه ای بیشتری منجر شود.

دوم، بحران در مناسبات دولتها. توازن قوای جهانی میان دولتهای امپریالیستی به هم خورده است، بلوک بندیهای گذشته جای خود را به بلوک بندیهای جدیدی می دهند. روسیه یک ابر قدرت نظامی است، اما بنیه اقتصادی آن ضعیف است. در مقابل چین یک ابر قدرت اقتصادی

است. ترامپ که می خواست با بنا کردن دیوار از ورود روزانه دهها نفر از طریق مرز با مکزیک جلوگیری کند، اکنون با تجمع دهها هزار نفر در مرز روبرو شده است.

ششم، بحران سیاسی و اجتماعی، در نتیجه چنین وضعیتی بخشهایی از مردم از فرط بی افقی به دامن راست ترین و مرتجع ترین احزاب سیاسی پناه برده اند. بر سر کار آمدن ترامپ در آمریکا با نمونه های دیگری در گوشه و کنار جهان همراه شد. به نتایج انتخابات های اخیر برای مثال در سوئد و آلمان و برزیل نگاه کنید، تا حقیقت این بحران سیاسی و اجتماعی را دریابید. در این میان اگر چه بخشهای بیدار و پیشرو این جوامع روحیه خود را نباخته اند و در مقابل این سیستم ارتجاعی مقاومت می کنند، و در میدان هستند، اما در این زمینه کار دشواری در پیش دارند.

اما واقعیت این است که در مقابل چنین وضعیتی بشریت خاموش نیست. جدالهای طبقاتی و سیاسی بزرگی در جریان است. اگر یک روز سوسیال دموکراتها امتحان خود را پس دادند و رفتند، میانه روها بر سرکار آمدند و امتحان خود را پس دادند و راه به جایی نبردند، دست راستی های افراطی نیز دولت مستعجل هستند و سرنوشتی جز پیشینیان خود نخواهند داشت. به حکم شرایط عینی و سیر تحول مادی تاریخ، فرصت برای نیروهای پیشرو اجتماعی و کمونیست ها نیز باز می شود. حتی کسی مانند فوکویاما که روزی نظریه پرداز راست ترین جناح سرمایه داری بود، امروز می گوید سوسیالیسم تنها آلترناتیو نجات بخش بشریت از همه این بحران ها است.

بخش دیگری از مباحث پلنوم به بررسی اوضاع خاورمیانه اختصاص داشت و در این زمینه پلنوم بر سه مسئله فلسطین، سوریه و عراق متمرکز شد.

مسئله فلسطین دیرپاترین کانون بحران در خاورمیانه است که دورنمای روشنی هم برای حل عادلانه آن وجود ندارد. جنبش موسوم به "راهپیمائی بازگشت" که از فروردین ماه گذشته در نوار غزه آغاز شد، علیرغم وحشیگری دولت اسرائیل و تلفات سنگین آن هنوز ادامه دارد. سازمان دهندگان این حرکت تلاش می کنند روحیه سرخوردگی و ناامیدی ناشی از ناکامی های تاکنونی بر مردم غزه مسلط نشود. در این حرکت تا کنون بیش از ۲۰۰ تن جانباخته اند و بیش از ۱۶۰۰۰ نفر زخمی شده اند. در جبهه دولتها از یک سو دشمنان سرسختی چون دولت اسرائیل و اداره ترامپ در آمریکا را می بینیم و از سوی دیگر دوستان ریاکاری چون دولتهای ترکیه و جمهوری اسلامی و قطر قرار گرفته اند. شعارهای دهن پرکن و بدون محتوای جمهوری اسلامی نه تنها گرهی از مشکلات مردم فلسطین باز نکرده است، بلکه عملاً به دشمنان سرسخت مردم فلسطین امکان سرکوب بیشتر و وحشیانه تر را داده است. دولت ترکیه از مسئله فلسطین به عنوان ابزاری برای گسترش نفوذ خود در کشورهای مسلمان نشین بهره می گیرد و تا کنون کوچکترین نقشی در تخفیف آلام مردم فلسطین نداشته است. هدف دولت قطر نیز حضور در این کانون بحران با صرف مقداری هزینه برای بهره برداریهای سیاسی محدود است و ربطی به خواسته های حق طلبانه مردم فلسطین ندارد.

اما جنبش فلسطین در درون خود نیز از یک پیکره واحدی برخوردار نیست و حداقل دو پاره شده است. گروه های اسلامی حاکم در نوار غزه و سازمان آزادیبخش فلسطین در کرانه غربی هر دو نومیدانه، دو

سیاست متفاوت را دنبال می کنند. نه قاطعیت سازمان های اسلامی و نه سازشکاری سازمان آزادیبخش، هیچکدام نتوانسته اند افق روشنی برای بازگشت آوارگان و تأمین حقوق پایمال شده این مردم نشان دهند. در چنین شرایطی، با چنین دشمنانی و با چنین دوستان ریاکاری و با چنین جنبشی چند پارچه، تنها تغییر توازن قوای منطقه ای و جهانی به نفع جبهه عدالت و سوسیالیسم می تواند گره کور مسئله فلسطین را بگشاید. با وجود این استخوان لای زخم، خاورمیانه همچنان در مرکز کشمکش های جهانی و منطقه ای قرار خواهد داشت.

دولت های بازیگر عرصه سیاسی در سوریه و نیروهای مرتجع وابسته به آنها طی هفت سال گذشته هر چه توانستند از جان و زندگی مردم هزینه کردند و کشوری ویران و ملیونها مردمی آواره در داخل و در بیرون مرزها بر جای گذاشتند. امروز درگیرها اگر چه تماماً خاتمه نیافته اند اما تا حدودی فروکش کرده اند و سران قدرتهای درگیر، هرکدام به تناسب جنایاتی که مرتکب شده اند، در پی سهم ببری از آینده سیاسی این کشور هستند. دریچه ای از امید که در نتیجه جنبش روزاوا، بر روی زندگی بخشی از مردم سوریه گشوده شده بود، هنوز در مخاطره توطئه های آشکار و پنهان قرار دارد.

اما بازیگران اصلی صحنه سیاسی سوریه هرکدام در چه موقعیتی قرار دارند؟ جمهوری اسلامی تحت فشارهای اسرائیل و آمریکا و حتی روسیه هم پیمان او، ناچار است این منطقه را ترک کند و تنها امیدش برای تاثیر گذاری در آینده به وجود حزب الله لبنان در جوار مرز سوریه است. دولت ترکیه تلاش می کند کردورهائی برای خود به داخل سوریه باز کند. امروز ادلب، دیروز عفرین و فردا منبج و کوبانی. نهایتاً هدف دولت ترکیه ایجاد نوار باصطلاح امنیتی در سرتاسر مرز ۵۰۰ کیلومتری سوریه با ترکیه است. این نقشه قبل از هر چیز محدود کردن جنبش روزاوا را که چون خاری در چشم دولت ترکیه است مدنظر دارد. اما چنین طرحی عملی نخواهد شد جز با توافق و همکاری دولت آمریکا، که بویژه تسلط بر مناطق شرق رودخانه فرات را برای خود رزرو کرده است. دولت آمریکا که بدون نیروهای مسلح جنبش روزاوا نمی توانست جنگ با داعش را به پیش ببرد، امروز که جنگ با داعش تخفیف یافته است، منافع خود را در همپیمانی با ترکیه جستجو می کند. دولت آمریکا با هزینه کردن از رابطه ای که با جنبش روزاوا دارد، تلاش می کند سردی رابطه خود با ترکیه را جبران کند و مانع نزدیکی بیشتر روسیه و ترکیه گردد. روسیه موقعیت خود را از طریق حفظ رژیم بشار اسد، در مناطق غربی رود فرات محکم کرده است و پایگاههای دریائی استراتژیک خود در سواحل مدیترانه حفظ نموده است. اکنون دیگر همه طرف ها رژیم بشار اسد را "دولت سوریه" می نامند در این میان عربستان سعودی که در فاز نظامی بازنده جنگ نیابتی بود، اکنون با پول خود، به بهانه بازسازی ویرانی ها دوباره به صحنه باز گشته است. بدین ترتیب می بینیم که آرامش نسبی جبهه ها هنوز به معنی بازگشت مردم بلادیده سوریه به شرایط عادی زندگی نیست. شواهد نشان می دهند مردم سوریه در بهترین حالت در کوتاه مدت یک دوره نه جنگ نه صلح را نیز تجربه خواهند کرد.

در مورد جنبش روزاوا پلنوم اساساً بر دست آوردهای اجتماعی این جنبش در زمینه برقراری حاکمیت مردم و قانونی کردن برابری زنان و مردان و سنت های دموکراتیک دیگر که مرسوم شده است، تاکید کرد. واقعیت این است که دستاوردهای اجتماعی را با توطئه و فشار نظامی و غیره به آسانی نمی توانند از مردم این منطقه باز پس

آور قیمت کالاهای اساسی مورد نیاز اقشار استثمار شده و تهدست جامعه، منجر می شود و از طرف دیگر رژیم را نیز تحت فشار اقتصادی قرار می دهد. منابع مالی دولت را برای تامین سیستم اداری و نظامی و امنیتی پر هزینه آن محدود می کند. اما اگر اعمال این فشارها برای اکثریت مردم ایران از لحاظ معیشتی فاجعه بار است، در عین حال به هیچ وجه شرایط مساعدی را نیز برای گسترش مبارزه همین مردم بر علیه جمهوری اسلامی بوجود نمی آورد. بدین ترتیب کارگران و توده های محروم و ستم دیده در دو سو از اعمال فشارهای اقتصادی آمریکا زیان می بینند. از یک سو دچار عوارض فاجعه بار ناشی از این تحریمها می شوند و از سوی دیگر با شرایط نامساعدی در مبارزه با این رژیم و برای بهبود شرایط زندگی خود، روبرو خواهند شد. اعتراضات گسترده دیماه گذشته در شرایطی رویدادند که هنوز خبری از خروج آمریکا از برجام و مجازاتهای اقتصادی جمهوری اسلامی نبود. نمونه های بسیاری وجود دارند که نشان میدهند، محاصره اقتصادی به سقوط هیچ رژیمی منجر نشده است، بلکه برعکس به رژیم های سرکوبگر امکان میدهد با فریبکاری و مظلوم نمائی تقصیر را به گردن عوامل خارجی بیاندازند و از برائی تیغ اعتراض توده ای کم کنند.

۳- جمهوری اسلامی انتخاب های چندانی برای دور زدن تحریمها پیش رو ندارد. در شکافهای اقتصادی و سیاسی بین قدرتهای جهانی جای زیادی برای مانور دادن جمهوری اسلامی وجود ندارد. در داخل کشور بنگاه های اقتصادی باقیمانده هم یکی پس از دیگری تعطیل می شوند، بدون اینکه حقوق معوقه کارگران بیکار شده را هم پرداخت کنند. تولید کشاورزی که کاراترین بخش اقتصاد در ایران است، با توجه به خشکسالی و سیاست های ویرانگر ضد زیست محیطی چند دهه اخیر رژیم، کاهش پیدا کرده و در مسیر رکودی عمیق قرار گرفته است. در مجموع می توان گفت که اقتصاد ایران در آستانه فروپاشی قرار دارد. سرمایه های خارجی از ایران رفته اند و سرمایه داخلی هم از عرصه تولید کنار کشیده و به تجارات و بازرگانی روی آورده است. با توجه به همه اینها، جمهوری اسلامی ناچار است که در برابر آمریکا به عقب نشینی تن در دهد. البته طبیعی است که تلاش خواهد کرد که این عقب نشینی را با کمترین خطر از سر بگذرانند. تلاش خواهد کرد نقاط ضعف و ناتوانی هایش را از مردم پنهان کند. تلاش خواهد کرد تردید و تزلزل به صفوف هواداران و نیروهای سرکوبگرش راه نیابد. تلاش خواهد کرد که نه تنها مردم ایران، بلکه آمریکا و دولت های غربی، را هم از انقلاب و یا از سوریه ای شدن ایران بترساند.

۴- اما عقب نشینی در برابر آمریکا نیز مشکل بنیادی این رژیم را بر طرف نخواهد ساخت. بحران اقتصادی جمهوری اسلامی با تحریم های آمریکا بوجود نیامده است و با رفع این تحریمها چاره نخواهد شد. اعتراضات دیماه گذشته و اعتصابها و تظاهرات و شورشهای شهری متعاقب آن در شرایطی صورت گرفتند که هنوز تحریمی اعمال نشده بود و روابط با کشورهای غربی بر اساس توافق برجام پیش می رفت. جمهوری اسلامی پس از کودتای انتخاباتی سال ۱۳۸۸ مشروعیت خود را در نزد رای دهندگان از دست داد، و در دیماه مردم به جان آمده از فقر و بیکاری و فساد حاکمیت رژیم را نیز زیر سوال بردند. در واقع از دیماه گذشته جامعه ایران وارد فاز نوینی شده است. مرحله ای که مردم معترض مرعوب اعمال سرکوبگرانه رژیم نمی شوند، امیدی به اصلاح رژیم ندارند و خواست ها و مطالبات خود را با جدیت پیگیری می کنند.

۵- مبارزات کارگری و توده ای ماه های اخیر اگر چه حول

بگیرند. بحث دیگر پلنوم در چهار چوب اوضاع خاورمیانه در باره عراق بود. در عراق اخیرا انتخاباتی انجام شد که با بایکوت نسبتا وسیعی و نیز تقلبات گسترده ای همراه بود. اگرچه سرانجام ظاهرا بر طبق نتایج این انتخابات ارگانه های مختلف قدرت بین جناح ها و احزاب مختلف تقسیم شد، اما این همه واقعیت نیست. تصور اینکه در عراق یک دموکراسی شسته رفته مدل غربی بر اساس یک نظام پارلمانی عمل می کند، غیرواقعی است. هنوز میلپشای مسلح، پول و سازماندهی مافیا گونه جامعه بر ظواهر غربی اداره امور جامعه می چربند. مردم سنی مذهب، کماکان در حاشیه قدرت قرار دارند. از میان آنها تنها کسانی که به طمع قدرت و ثروت با احزاب شیعی مذهب همراه شده اند، مقاماتی را کسب کرده اند. به بخش هایی از مردم شهرها و مناطقی که زندگی آنها طی جنگ های اخیر به ویرانه ای تبدیل شده است. هنوز اجازه بازگشت به خانه های ویران شده خود و زمینها و محلهای کسب و کارشان را نداده اند. در شهر بزرگی مانند موصل هنوز نیروهای حشد شعبی بر مردم حکومت می کنند. هنوز بقایای داعش ریشه کن نشده اند و زمینه های مادی سربرآوردن آنها تحت نام دیگری دو از انتظار نیست. زخم هائی که داعش از یک طرف و رژیم مذهبی بر پیکر این جامعه وارد کرده اند به آسانی التیام نخواهند یافت اما به هر درجه که زندگی روال عادی پیدا کند، اعتراضات و نارضایتی ها در این مناطق هم پا می گیرند. در عین حال حرکت و اعتراض در مناطق جنوبی عراق هم احزاب حاکم را تحت فشار قرار داده است. عکس العمل این احزاب سرکوب شدید و ترور چهره های شاخص این اعتراضات بوده است. انتخابات اخیر در کردستان نیز کم و بیش مشابه انتخابات در بقیه نقاط عراق بود. همانطوریکه انتظار می رفت احزاب سنتی حاکم کماکان در موقعیت قدرت قرار گرفتند. اگر چه هنوز حکومت محلی جدید تشکیل نشده است، اما در این دوره هم انتظار تغییری در ساختار و محتوای اداره امور نمی رود و در کردستان نیز در بر همان پاشنه سابق خواهد چرخید. ارتباط با دولت مرکزی هم حداکثر در محدوده قوانین فدرالی تنظیم خواهد شد. در یک ماه اخیر و با توجه به فقر و بیکاری شدید در کردستان ایران، هزاران کارگر به کردستان عراق روی آورده اند و با توجه به بهبودی نسبی که در وضعیت اقتصادی حکومت محلی بوجود آمده است، تلاش می کنند که با نازل ترین دستمزد هم که شده است کاری پیدا کنند.

پلنوم کمیته مرکزی کومه له در ادامه مباحثات خود به بررسی اوضاع سیاسی ایران پرداخت. نکات اصلی این بحث عبارت بودند از:

۱- جمهوری اسلامی دچار بحران های حاد متعدد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که برای رفع آنها هیچ استراتژی و راه حل روشنی ندارد. جمهوری اسلامی رژیم بورژوائی ناکارآمدی است، غرق در فساد مالی و اداری. سیاست این رژیم که بقای خود را در دست اندازیهای منطقه ای برای تحمیل موجودیت خود به آمریکا و دولتهای غربی جستجو می کرد. با شکست روبرو شده است. اگر در گذشته ایجاد عمق امنیتی در منطقه، ضرورت بقای رژیم بود، امروز به نقطه ضعف وی تبدیل شده است. در چنین شرایطی تداوم حاکمیت جمهوری اسلامی از یک سو به نیرو سرکوب متکی است و از سوی دیگر به این دلیل است که هنوز آلترناتیوی در مقیاس اجتماعی در برابر آن شکل نگرفته است.

۲- محاصره اقتصادی و فشارهای دولت آمریکا بر جمهوری اسلامی، برای محدود کردن دامنه زیاده خواهی های این رژیم در منطقه صورت می گیرد. اما این فشارها که عمدتا اقتصادی هستند، کارکردی دو سویه دارند. از یک طرف به تشدید فقر، بیکاری، تورم، افزایش سرسام

پلنوم در آخرین بخش از مباحثات خود حول گزارش سیاسی به مسائل مربوط به کردستان ایران پرداخت. در این رابطه نکات اصلی بحث عبارت بودند از:

۱- طی ماههای اخیر و در فاصله بین دو پلنوم، کردستان نیز مانند سایر نقاط ایران، از کانونهای مبارزات و اعتراضات توده ای بود. شهرهای کردستان با اعتصاب رانندگان کامیون و کامیونداران همراهی نمود. فراخوان اعتصاب معلمان از جانب معلمان کردستان پاسخ شایسته ای گرفت. مراسم باشکوه تشییع جنازه جانبازان دفاع از محیط زیست، شریف باجور و یارانش در مریوان که به یک مارش سیاسی رادیکال و پیشرو تبدیل شد و چند روز بعد تجمع مردم مبارز شهر سنندج در یکی از پارکهای شهر و راهپیمائی متعاقب آن در گرمیادداشت یاد این جانبازان، از جمله نمونه های برجسته حضور مردم مبارز کردستان در صحنه های سیاسی و اجتماعی پیشرو بود. اما نقطه درخشان مبارزه مردم کردستان در این دوره پاسخ یکپارچه و قاطعانه ای بود که به فراخوان اعتصاب عمومی از جانب نیروهای سیاسی فعال در کردستان داده شد. این حرکت پاسخ قاطعانه ای بود به اعدام زندانیان سیاسی رامین، زانیار و لقمان و همچنین حمله موشکی به دفاتر هر دو بخش حزب دموکرات. این حرکت درخشان، نشان داد که در کردستان این تنها خشم آنی و فروخته نیست که به ناگاه فوران می کند. اینجا آگاهی، تجربه، سازمان و رهبری است که عمل می کند. این حرکت بار دیگر نشان داد که کردستان جامعه ای تحزب یافته است و از این لحاظ ظرفیتهای این جامعه برای تاثیر گذاری بر تحولات آتی در ایران را به همگان نشان داد.

پلنوم در ادامه مباحث خود بر اولویتهای تعیین شده در پلنوم قبلی مجدداً تاکید نمود و میزان پیشرفت در زمینه های مختلف را بررسی کرد. این اولویتها بطور خلاصه عبارت بودند از:

تحکیم موقعیت کومه له در رهبری مبارزه بر علیه ستم ملی با اتکا به "برنامه کومه له برای حاکمیت توده ای"، "استراتژی کومه له در جنبش کردستان" و مصوبات کنگره ۱۷ کومه له، شرکت فعال در مبارزات جاری، شکل دادن به یک قطب چپ و سوسیالیست در کردستان، گسترش تشکیلات حزبی بویژه در کارگاهها و محلات کارگری، بالابردن ظرفیت و توانائی تشکیلات برای جذب جوانان انقلابی و کمونیست فعال در دانشگاهها، در میان معلمان و در محیط های فرهنگی مترقی و پیشرو، تقویت همبستگی و وحدت حزبی در سطوح مختلف، گسترش فعالیت های نمایندگی کومه له در خارج کشور، استفاده بهینه از شبکه های اجتماعی، آمادگی لازم برای ایفای نقش موثر در صورت بروز شرایط نامطلوب.

۲- یکی از اولویتهای تعیین شده در پلنوم قبلی تلاش برای شکل دادن به یک قطب چپ در کردستان بود. هدف این بود که کلیه فعالین چپ و کمونیست در داخل و خارج کشور که میخواهند در ظرفیت جنبش انقلابی مردم کردستان نقش ایفا کنند و در حال حاضر الزاماً عضو هیچ تشکل سیاسی معینی هم نیستند، به علاوه سازمانهای سیاسی فعال در کردستان، همگی بر طبق پروژه ای که مشترکاً تدوین خواهد شد، دور هم جمع شوند و توانائی خود را به شکلی نقشه مند، در هماهنگی با هم بکار گیرند. در این رابطه در فاصله بین دو پلنوم، کمیته مرکزی کومه له اقدامات معینی به عمل آورده است. برای تشریح اهداف این حرکت بزودی سمیناری در خارج از کشور تحت عنوان: "کردستان، جنبش چپ و آلترناتیو سوسیالیستی"، برگزار می

خواسته ها و مطالبات معین و گاه محدودی شکل گرفته اند، اما در محتوای واقعی خود از لحاظ شعارها، از لحاظ ترکیب شرکت کنندگان، از لحاظ تاکتیک و روشهای اعتراض و از لحاظ هماهنگی و سرتاسری بودن، روندی تکاملی و رو به جلو داشته ند. اعتصاب کارگران شرکتهای وابسته به راه آهن سرتاسری، اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و کامیون داران، اعتصاب سراسری معلمان، اعتصاب سراسری و یکپارچه مردم کرستان در کنار ده ها مورد دیگر از اعتراض و اعتصاب، پیگیرانه دیگر، نمونه های آغاز چنین روندی هستند. از درون این حرکتها اجتماعی، رهبران کارآمد رو می آیند و آزموده تر می شوند. از درون این جنبشها تشکلهای توده گیر سر بر می آورند. وجود چنین تشکلهائی زمینه های مادی گسترش تشکل سیاسی رادیکال فراهم می کنند.

۶- با همه اینها هنوز نمیتوان گفت که جامعه ایران به یک وضعیت انقلابی قدم نهاده است. اما ناتوانی جمهوری اسلامی در پاسخگوئی به مطالبات اکثریت مردم، زمینگیر شدن نیروهای سکوبگر، تشتت در نهادهای بالای رژیم، بالا رفتن روحیه اعتراض و جسارت رودر رو شدن مردم با دشمن، تغییر توازن قوا را تا به نفع جبهه مردم استثمار شده و محروم، جامعه ایران را به پیدایش چنین وضعیتی نزدیک کرده است.

۷- سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی به شکل گیری آلترناتیو سوسیالیستی گره خورده است. اما آلترناتیو سوسیالیستی در غیاب جنبش عینی طبقه کارگر و بدون همراهی توده های محروم جامعه با یان جنبش و در خارج از آن بنا نمی شود. در این رابطه مبارزات جاری حول مطالبات معین اهمیت سرنوشت سازی در شکل گیری این آلترناتیو دارند. آلترناتیو بدون آگاهی، رهبری و سازمان بنا نمی شود. سرنوشت خیزشهای انقلابی موسوم به بهار عربی در بخشهایی از خاورمیانه و شمال آفریقا، درس آموز است. برای نمونه در مصر اعتراضات گسترده کارگری در جریان بود. شعارها رادیکال و پیشرو بودند و از طریق شبکه های اجتماعی همه گیر می شدند. اما چون این جنبش فرصت آنرا نیافت تا سازمان گسترده و رهبری خود را شکل بدهد، نهایتاً میدان را به اخوان المسلمین که سازمان و رهبری خود را داشت واگذار کرد. در فاز بعدی هم دیدیم که اخوان ها بوسیله ارتش، که آنهم سازمان و رهبری خود را داشت از قدرت به زیر کشیده شدند. برای جریان رادیکال و سوسیالیست در ایران هم مانند هر جای دیگر، راه میانبری وجود ندارد. پروسه شکل گیری سازمان و رهبری که مقبولیت و مشروعیت اجتماعی کسب کند، پروسه ایجاد آلترناتیو سوسیالیستی است. پروسه ای که با پدید آمدن وضعیت انقلابی، در مدت زمان کوتاه تری به ثمر می نشیند.

۸- اما این تنها نیروهای سوسیالیست و انقلابی نیستند که برای سرنگونی جمهوری اسلامی تلاش می کنند. نیروهایی در کمین نشسته اند تا پروسه رشد و گسترش انقلاب و شکل گیری آلترناتیو رادیکال این رژیم را در میانه راه مختل کنند. از اینرو آلترناتیوهای مختلفی میتوانند برای جانشینی این رژیم شکل بگیرند. سپاه پاسداران با ایجاد تغییرات چشمگیر در ساختار دولتی و ایدئولوژیک رژیم، یکی از ابزارهای سازمان یافته برای تحمیل چنین شرایطی است. دخالت خارجی نیز می تواند به قدرت گیری جناح هایی از اپوزسیون بورژوائی منجر شود. این درست است که دولت آمریکا امروز نقشه سرنگونی جمهوری اسلامی را در سر ندارد. اما این بدان معنی نیست که وقتی رژیم حاضر را در آستانه سقوط ببیند، برای جایگزینی آلترناتیو مورد نظر خود تلاش نکند.

اطلاعیه مشترک نیروهای چپ و کمونیست با اتحاد و همبستگی، کارگران دستگیر شده را آزاد سازیم!

در چهاردهمین روز اعتصاب و اعتراضات یکپارچه، باز هم سیل شکوهمند کارگران اعتصابی نیشکر هفت‌تپه خیابان‌های شوش را با شعار: "نان، کار، آزادی، اداره شورایی" درنوردید. کارگرانی که زنان و فرزندان، بازنشستگان هفت‌تپه، دانشجویان، معلمان و مردم شوش نیز هم‌گام و همراه‌شان شدند. مسئولان رژیم جمهوری اسلامی هراسان از گسترش اعتراضات کارگران به خیابان‌های شهر و خیزش موج همبستگی نه تنها مردم شوش، بلکه کارگران و معلمان شهرهای دیگر، در ساعات اولیه روز، یگان ضد شورش خود را به محل کارخانه گسیل کرد تا با مسدود کردن گیت‌های کارخانه از خروج کارگران جلوگیری کند. ترفندی که در برابر اتحاد و عزم راسخ کارگران تاب نیاورد. پس، به چاره‌ای متوسل شد که همواره در برابر اعتراضات کارگران و توده‌های مردم به کار می‌بندد، یعنی دستگیری کارگران و کارکنان نیشکر هفت‌تپه.

بنا به آخرین گزارش سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، ۱۶ تن از اعضای مجمع نمایندگان کارگری، ۲ نفر از کارکنان و یک زن خبرنگار، پس از پایان راه‌پیمایی و هنگام بازگشت به شرکت دستگیر شدند. در این گزارش آمده است، دادستان داسرای عمومی و انقلاب شهرستان شوش پس از مراجعه و کیل کارگران به بازداشتگاه ستاد فرماندهی شوش، منکر دریافت گزارشی در این باره شده است. استاندار خوزستان مدعی است تنها ۴ کارگر بازداشت شده‌اند. این گفته‌های ضد و نقیض، نگرانی‌های به‌جا و به‌حق بسیاری را در مورد سلامتی دستگیرشدگان برانگیخته است.

تنها در همین هفته گذشته، ۷ تن از کارگران پیمانی معادن مجتمع مس میدوک و ۱۲ معلم بازداشت شده‌اند و اکنون نیز ۱۹ تن از کارگران و کارکنان نیشکر هفت‌تپه و یک خبرنگار. این است پاسخ رژیم جمهوری اسلامی به فریادهای معترض و حق‌طلبانه. این است ارمغان رژیم بر سر سفره‌های خالی کارگران و زحمتکشان. و از آن‌سو، سرمایه‌داران و دزدانی هستند که آسوده خاطر، میلیون‌ها و میلیارد‌ها دلار از دسترنج کارگران و زحمتکشان را به یغما می‌برند و در رفاه و ناز و نعمت زندگی می‌کنند.

کارگران، معلمان، دانشجویان، توده‌های زحمتکش! این وضعیت دیگر تحمل‌ناشدنی است. این گستاخی‌ها، پاسخی دندان‌شکن می‌طلبند تا سران رژیم و اوباش سرکوب‌گرش جرأت نکنند چنین بی‌پروا شلاق سرکوب و زندان را بر پیکر کارگران و معلمان و دانشجویان و مردم زحمتکش فرود آورند. به گفته اسماعیل بخشی (از نمایندگان کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه): "ما فقط به زور خودمون متکی هستیم، زور داریم، هر کس حق‌مون رو بخوره از حلقوم‌اش می‌کشیم بیرون." پس، دست در دست یکدیگر و متکی به نیروی خودمان، رژیم را واداریم تا کارگران هفت‌تپه و تمامی کارگران و معلمان و دانشجویان و زندانیان سیاسی را آزاد سازد.

کارگر، دانشجو، معلم، اتحاد اتحاد
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۲۷ آبان ۱۳۹۷

امضاها:

اتحاد فدائیان کمونیست،
حزب کمونیست ایران،
حزب کمونیست کارگری - حکمیتست،
سازمان راه کارگر،
سازمان فدائیان (اقلیت)،
هسته اقلیت

شود، نمایندگی کومه‌له در خارج کشور این سمینار را سازمان می‌دهد. در این سمینار از سازمان‌های چپ و سوسیالیست و از افراد و نیروهای فعال چپ در کردستان دعوت می‌شود تا ملاحظات و نقطه نظرات خود را در این زمینه با همدیگر در میان بگذارند. بعلاوه متعاقب آن چند گروه و سازمان فعال در کردستان از جمله کومه‌له، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، روند سوسیالیستی کومه‌له، شاخه کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمیتست، شاخه کردستان حزب کمونیست کارگری ایران و گروه مبارزان کمونیست، مشترکا در خارج از کشور کنفرانسی با همین هدف برگزار خواهند کرد و تلاش می‌کنند به سند و نقشه عمل مشترکی در این زمینه دست یابند.

۳- تشکیلات علنی کومه‌له در کردستان عراق یکی از عرصه‌های با اهمیت فعالیت ارگانهای تشکیلاتی کومه‌له است. حفظ و تقویت این مرکز همواره یکی از اولویتهای ما در دوره‌های مختلف بوده است. اما در عین حال در پلنوم بار دیگر تاکید شد که به حکم شرایط عینی سیاسی، ضمن تقویت و حفظ چهره مسلح کومه‌له، در حد مقدرات این دوره، این واقعیت را نیز باید اذعان کرد که مدت‌هاست دیگر کردستان عراق پشت جبهه فعالیت نظامی ما به حساب نمی‌آید. احزابی که در تعیین استراتژی نظامی خود این واقعیت را در نظر نگرفته‌اند، نه تنها راه به جایی نبرده‌اند، بلکه هم خود ضربه خورده‌اند و هم به رژیم امکان داده‌اند تبلیغات روحیه شکنانه‌ای در میان بخش‌هایی از مردم کردستان به عمل آورد.

پلنوم در بحث پیرامون گزارش‌های تشکیلاتی، گزارش کمیته رهبری کومه‌له در رابطه با کار ارگان‌های مستقر در کردستان عراق، فعالیت کمیته سازمانده تشکیلات داخل، نمایندگی کومه‌له در خارج کشور و نشریه پیشرو را مورد بررسی قرار داد و ملاحظات و پیشنهادات مختلف در جهت ارتقاء کمیته و کیفیت فعالیت‌ها به کمیته رهبری کومه‌له ارائه شد. نشست کمیته مرکزی در مبحث مربوط به تقسیم کار و آرایش درونی کمیته مرکزی، کمیته‌ها و ارگان‌های مختلف تشکیلاتی را تعیین و بدین ترتیب به کار خود پایان داد.

کمیته رهبری کومه‌له
سازمان کردستان حزب کمونیست ایران
آبان ۱۳۹۷
نوامبر ۲۰۱۸

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

به مناسبت ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان (۲۰۱۸)

در ایران آمیختگی مناسبات سرمایه داری و قوانین و سنت‌های مذهبی، جمهوری اسلامی را به یکی از دولتهائی تبدیل کرده است که خشن‌ترین قوانین زن ستیز را حاکم کرده است. البته نباید فراموش کرد که ضد انقلاب اسلامی اولین یورش خود به صف انقلاب را با تهاجم به زنان سازمان داد و باز نباید فراموش کرد که هزاران زن آزادیخواه، انقلابی و کمونیست در زندانها جمهوری اسلامی آماج سبانه ترین خشونت‌های پاسداران نظام اسلامی تا حد تجاوز جنسی قرار گرفته و صدها نفر از آنان اعدام شدند. در ایران جمهوری اسلامی با هدف تجارت و مطابق عرف اسلامی در عشرتکده های دولتی و امام زاده ها زنان را به صیغه مردان درمی آورند، در سیزده سالگی به ازدواج اجباری مجبور می شوند، فقر مطلق آنان را روانه بازار تن فروشی می کند، حق حضانت بر فرزندان خود را ندارد، به صورتشان اسید پاشیده می شود، حجاب اجباری بر سرشان می کنند و تفکیک جنسیتی می شود.

در حالیکه یک صد و بیست و پنج کشور جهان در مورد ممنوعیت آزار جنسی قانون به تصویب رسانده اند، اما در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی تمام سیاست ها و قوانین و حتی "لایحه منع خشونت علیه زنان" که در تونل پیچ در پیچ دولت، قوه قضائیه، شورای نگهبان و آیات عظام گرفتار آمده، در خدمت نهادینه کردن تبعیض و خشونت علیه زنان قرار دارد.

به جرات میتوان گفت که ایران، تحت حاکمیت جمهوری اسلامی جایی است که تمام سنت ها و روابط طبقاتی و مرد سالارانه دیرپا، در آمیزش با ایدئولوژی اسلامی و قوانین زن ستیز آن شرایطی را به وجود آورده است که زنان هم در گسترده ترین ابعاد، آماج خشونت‌های اجتماعی و خانگی قرار میگیرند و هم در پهنه گسترده و جلوه های گوناگون دست به مقاومت و مبارزه میزنند. زنان نه تنها گام به گام جای پای خود را در تمام جنبش های رادیکال اجتماعی تحکیم می بخشند بلکه به نیروی بالقوه قدرتمندی برای پیشروی انقلاب تبدیل شده اند. وقتی زنی شجاع در صف مقدم هزاران تن از کارگران هفت تپه با اعتماد به نفس تمام به بالای سکو رفته و همه را به مبارزه مشترک علیه غارت دسترنج شان فرا میخواند، وقتی زنان آزاده در صف اول اعتصابات سراسری معلمان قرار میگیرند، وقتی دختران دانشجو شعار کارگر، معلم، دانشجو اتحاد، اتحاد را سر می دهند، وقتی زنان خیابان انقلاب بر بلندیها ایستاده و حجاب این نماد خشونت اسلامی و آپارتاید جنسیتی را به زیر می افکنند، همه و همه بیان آشکار این امر است که زنان نه تنها حاضر نیستند به این تبعیض و نابرابری و به این خشونت نهادینه شده تن در دهند، بلکه عزم کرده اند که یکی از ارکان انقلاب برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی باشند.

بیست و پنج نوامبر امسال در دل تحولات بعد از خیزش دیماه، در بستر اعتصابات و اعتراضات گسترده کارگری و توده ای و تحول عظیمی که در آگاهی توده های مردم بوجود آمده، فرصتی است که زنان با تمام قامت خود به خیابان آمده و نظم طبقاتی و مرد سالار حاکم را به چالش بکشند.

نابود باد خشونت علیه زنان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

آبان ۱۳۹۷

از زمانی که اولین گردهمایی زنان مبارز آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۱، روز بیست و پنجم نوامبر را "روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان" اعلام کرد، هجده سال طول کشید تا به یمن یک مبارزه بی وقفه جهانی توسط زنان پیشرو، مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ تصمیم این گردهمایی را به رسمیت شناخت. اکنون بعد از گذشت سالها، زنان در مقیاس جهانی همچنان با پدیده خشونت روبرو هستند. قتل فجیع خواهران میرابل در سال ۱۹۶۰ در جمهوری دومینیکن به سبب مبارزه علیه دیکتاتوری "رافائل تراخیلو" انگیزه ای گشت که جهان متوجه ابعاد این خشونت عریان گردد. با وجود اینکه در بسیاری از کشورهای جهان قوانین منع خشونت تصویب شده است ولی آمارها نشان میدهند که بطور متوسط سی و پنج درصد زنان در جهان خشونت را تجربه کرده اند. البته این رقم در برخی از کشورها به هفتاد درصد هم میرسد. این آمارها بیانگر آن است که خشونت علیه زنان یک پدیده جهانی است و زنان در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری تا کشورهای پیرامونی آماج این خشونت ها هستند. نظام سرمایه داری تلاش کرده امر خشونت علیه زنان را یک امر طبیعی جلوه دهد و مبارزه علیه این خشونت را نیز مطابق الگوهای کلیشه ای خود در جامعه تثبیت نماید.

اما بدیهی است که خشونت طبقاتی و جنسیتی طبیعی و ذاتی بشر نیستند. بلکه در نظام طبقاتی و مردسالار تمام اهرمهای جامعه از روابط تولیدی، خانواده، فرهنگ، مذهب، سنت، ایدئولوژی تا قانون و بالاخره دولت در یک همسوئی با هم به حرکت در میآیند تا این پدیده کریه را امری طبیعی جلوه دهند. این امر "طبیعی" اما در جوهر خود چیزی جز بیان مناسبات متکی بر مالکیت خصوصی نیست. چه آنجا که خانواده به عنوان پایه ای ترین سلول جامعه، سلطه مردان خانواده را بر زنان نهادینه می کند و چه آنجا که روابط تولید سرمایه داری به زن به مثابه یک کالا نگاه میکند.

زنان در این جوامع چه آن زمان که نیروی کار خود را مستقیماً به سرمایه دار عرضه میکنند و چه زمانی که از طریق تولید مثل و کار بی اجر و مواجب خانگی بطور غیر مستقیم در خدمت سرمایه قرار میگیرند، به مثابه یک ابزار تولید عمل کرده و با استثمار شدیدتری نسبت به مردان روبرو میگردند. البته نظام سرمایه داری جهت افزایش بهره وری خود به هر دو وجه این استثمار نیاز دارد. اما خشونت نهادینه شده علیه زنان به اینها محدود نمی ماند. ناقص سازی جنسیتی، تجاوز در بستر زناشویی، تجارت و بهره برداری جنسی از زنان، حملات فیزیکی، خشونت کلامی و رفتاری، ازدواج اجباری، پورنوگرافی، نگاه به زن به عنوان ابزار جنسی، احساس مالکیت بر زنان، تجاوزهای گروهی در جنگهای نیابتی، قومی و مذهبی، تجاوز به زنان پناهجو در کمپ های پناهندگی همه و همه جلوه های گوناگون خشونت هستند که در همه حوزه های حیات اجتماعی بر زنان اعمال میشود. زمانیکه در سال گذشته در یکی از شبکه های اجتماعی با هشتگ "من هم" صدها هزار نفر از زنان در سراسر جهان از تجربه های خشونت علیه خود نوشتند، معلوم گشت که چگونه مردان در اختیار داشتن اهرم قدرت به راحتی به خود اجازه میدهند، خشونت جنسیتی علیه زنان اعمال کنند. از عضو آکادمی نوبل صلح تا کارگردانهای بنام، از مسئولین بالای مدیاهای جمعی تا قاضی ها و از کادر رهبری احزاب سیاسی و سیاستمداران حرفه ای سرشناس و کشیش ها هیچ ابائی نداشتند که به حریم اجتماعی و خصوصی زنان تجاوز کنند.

عباس منصوران

"روژ آوا" در سازندگی و مقاومت



پنداری بیهوده. اما روژ آوا و «کوبانی» اش، نشان داد که اسد پسر آن که در جنایت و خونریزی نشان از پدر دارد، گورکن خویش است و قدافی در انتظارش، در یکی از آبریزگاه ها. روند دیالکتیک را می توان نیرو و جان بخشید؛ این گردونه را کسی یارای همیشه ایستادن نیست. مردمانی که بی شناسنامه، محروم از حق آموزش و داشتن چیزی به نام خویش، از سایه خویش در هراس، فروخزیده در خوف و فلاکت، چگونه خیزش! کشتار ارتشیان حافظ اسد، «رمیلان» و گری اسپید» و «تل اسپید» را سرخ گون و قامشلی را همانند «عفرین» و «جزیره» (۲) و «کوبانی» و سره کانی و حسکه و تره اسپید و منیج و... را در خون نشانده بود. گل های سور در بهار از آن روی، با نوید آتش نوروز یاد آور شولای خونفام دخترانی است که از خون خویش و خویشان، سرخ جامه گان بابک ایستاده بر دژهای ماکو، سرود و رود می ساختند تا هنوز. اینک آوای کوبانی است با پژواک نه تنها در روژ آوا، بلکه در سراسر جهان سرود ایستادگی در هر سنگر شده است. گری در سراسر فلات برفراز زاگرس تا آرات. اینک فرات و دجله که میانرودان انسان در این سوی شرق بوده اند، نوای دیگری بر هر موج دارند.

آتشفشان، در سوریه سال ۲۰۱۰، درست ۸ سال پیش، «در چنین روزهایی غریب، فوران کرد، با «چکانه‌ی چند دانش آموز، در «درعا»، با شعارهایی بر دیوار شهر. پیام، بال گسترانید، کودکان دبستانی، کودکان سور، فشفشه های آتشفشان شدند و پیک های خیزش. «بهار عربی» نبود، انفجار آتشفشان دیرینه بود.

را در لشکرگاه های خود آماده باش داده، به روژ آوا حمله ور شده است. عفرین در اشغال تبه کاران و چته های اردوگانی با صدها هزار آواره در دشت و صحرا. اردوگانیم بی آینده با جبهه النصر و داعشیان گریخته در بحران، سیاسی و اقتصادی، کردستان را بار دیگر آماج گرفته تا به انحراف افکار، داخلی چندی دوام آورد. مردمان کار و ستمکشان این سرزمین، ایستاده به پیمان برای بازیابی هویت انسانی خویش؛ نان و زیتون و قناسه و سنگر را به اشتراک برای ماندن و دفاع به نبردی انقلابی برای زیستی سزاوار انسان و هستی ایستاده اند. ستمبران این دیار، در برابر تمامی ستمگران از برده داران تا اکنون، از هجوم شاهان آشور و ماد و همه امپراتوران ایران و روم و سپاهیان صدر صحرا، تا پان ترکیست های عثمانی، و اکنون، تا داعش ناب و سپاهیان سفاک خلیفه در ایران خمینیم و... از خاکستر و خون روییده اند.

«باختر آفتاب» اینک که خاور رزم است؛ سنگر آزاده ای است، ایستاده است برپا. با کوبانی که چهره ی تابناکی است از همه کردستان، همه جا، از سنندج و مریوان و سردشت و مهلباد و همه کردستان ها و شنگال و آمد و چپاپاس و هر آنجا که خودهایی، پژواک تواند یافت.

بسیاری که تاریخ را روندی مکانیکی و نه در دیالکتیک مبارزه و مناسبات طبقاتی می پندارند، بر آن بودند که «حرکت مرد در این وادی خاموش»، با چنین حجتی که قوم بی شناسنامه، شناسنامه نمی شناسد. به واهی آنان، بی نامان، آسمیله شده در سوریه نیز، نیم سده زیر پای الیگارش فاسد نظامیان به رهبری اسد پدر، قتل عام شده دیگر نیرویی برای خیزش نمی یابد-

از آن اکتبر خونبار سال ۲۰۱۴ کوبانی، که اینک نامش یادآور مقاومت و شکوه است، تنها ۴ سال می گذرد. روژ آوا آنگونه که می نامندش (باختر آفتاب) هنوز خونین با رزمندگان و کارگران و ستمبران اش، سر فراز، با دختران و زنان آزاده اش در برابر خوفناک ترین هیولاهای تاریخ، برای زندگانی پیکار می کند. در آن روزان و شبان خون و شکوه، نوشتیم «حتی اگر به خاکسترش نشانند، نام کوبانی در تاریخ به نیکی می ماند. دختران و پسران «آدوینس» (۱)، بار دیگر، ایستاده تا اگر مجال یابند، از کشتارهای کار، زندگی برویاند». اینک در ماه های پایان سال ۲۰۱۸ و از آن روزهای حماسی، که کوبانی از وجود داعشیان پاک و زوده شد و خاک از زنده و مرده های پلشت و نفرتناک «چته ها» پاک، بار دیگر روژ آوا گلوله باران می شود. با داعش زدایی، زندگی دوباره زاده شد. با هزینه جان های عزیز هزاران رزمنده که جان باختند و یا دست و پا از دست داده هنوز سلاح بردوش، برای نجات هستی و زیست و بوم همه گان. اینک که از ویرانه های شهر و روستا زندگی رویش گرفته یورش با همان تبه کاران به فرمان اردوغان و دولت تبه کارش. تازه با بازسازی ها بر خاک خونین، امید و زیبایی آفریده شده و زیتون و انجیر بنان هنوز زخمدار از خمپاره و بمب، شاخسار تکاوندند از خاکستر. و سرب و پرندگان بر شاخسارها، آوای شادی سروده بار دیگر فرات پریشان می شود. کمتر از ۵ سال می گذرد، از آن روز تا به امروز که سازندگی جاری شده در تیر رس ارتش فاشیست و دولت مذهبی اردوغان اینک بار دیگر پدرخوانده داعش، که اخوان المسلمین

در پیوندی برای خود گردانی با روی کردی شورایی یکپارچه و همبستگی یابند. برخلاف روند تا کنونی در پراکندگی، ساختار گرفته از قدرت ستمبران، از نیروی اتحاد و اراده پایینی‌ها، همسان با ریشه چمن‌ها و نه از بالا بر فراز سر، و پای بر شانه ستمبران، بل که از ریشه، از آنان که پایمال دوران‌ها و مناسبات طبقاتی بوده‌اند. از همین روی در روزهای جنگ و هجوم ۲۰۱۴ «شوراهای» ساختگی، شکل گرفته از بالا، در شمار «شورای میهنی» ناسیونالیستی حکومتگران و «شورای میهنی» (اقلیمیان) به «درخواست یگان‌های دفاع از خلق» پاسخ در خور ندادند و در محاصره و زیر چنگال حکومت اسلامی تنهایشان گذاشتند در برابر تمساح‌های داعشی. در آن سوی نیز، طبقه تازه به قدرت رسیده و حکمران، در اقلیم در عراق، که سربه فرمانی می‌خواهد و نه «سربه خویی» راستین شورایی، و یا به رسمیت شناسی «حق تعیین سرنوشت خویش به دست خویش» دولت‌ها در اقلیم کردستان روژهلالت، مردمان زیر کشتار و محاصره حکومت ترکیه و داعشیان اش را تنها گذاشتند و نه تنها، بل که در هماهنگی با اردوغان در عمل پشتوانه‌ی کشتارگران و اشغالگران شدند.

ارتش بورژوازی حاکم سوریه در سال ۲۰۱۱، که به رهنمود فرماندهان سپاه قدس و قاسم سلیمانی‌اش در ایران و نیز نوتراریسم روسیه، برای حفظ دمشق و شام، و حلب، کردستان سوریه را به ارتش ترکیه و سپاهیان اسلامی داعش و اکذاشت، ایدئولوژی مذهبی سرمایه به پشتوانه دولت ترکیه و سرمایه جهانی به رهبری ایالات متحده آمریکا، سپاهیان اسلام را روانه ساخت. تازیر سایه نوعثمانیسم، بحران‌ساختاری کمی کاهش یابد و منجی سرمایه سازد. این آزمون در ایران سال ۱۳۵۷ پاسخی سرمایه ساز گرفته بود. عربستان و آل سعود و قطر و امیران امارات، و صهیونیسم حاکم بر اسرائیل، بازار سلاح و سرمایه و ارتجاع و جنابت باید که در ایمن باشند.

بنا به این ضرورت، همانگونه که روزی طالبان در افغانستان و پیش از آن خمینی در ایران، ۴۷ گروه اسلامی، به شهرها و روستاهای گردنشین سوریه حمله‌ور شدند.

- ۱ - داعش ۲- جبهه النصره ۳- تیپ احفاد الرسول ۴- تیپ النصیر ۵- گردان فتح الله ۶- تیپ لا اله الا الله ۷- ابن تیمیه ۸- گردان علی بن ابی طالب ۹- گردان الجزیره ۱۰- گردان میرگرد ۱۱- شاخه امنیتی رقه ۱۲- الشام ۱۳- گردان العادیات ۱۴- گردان محمدیه ۱۵- گردان الابرار ۱۶- گردان شداده ۱۷- گردان احرار الخویران ۱۸- گردان جندالحرمین

تا دو برابر افزایش یافته است در اشغال فاشیست‌ها و مزدوران اجیر شده راهزن و آدمکشان اجاره‌ای و اوباشان و محکومان جنایی پرتاب شده در گنوه‌های اروپا. «جزیره» با شهرها و روستاهایش از «دیرک حمکو»، و شهرک‌ها و شهرها، «تربه سپی»، «گرکی لکی»، «درباسیه»، «سریکانی»، «حسکه» امروزه دیگر بار زیر توپ و تروریسم از دیوارهای مرزی ۱۸۰۰ کیلومتر دوردور کردستان حصار بسته، شبانه راهزنانه برخوردار از تانک‌ها و تونل‌های اردوغان و ارتش بزدلش که با یدک کشی نام ناتو، در برابر ارتش مردمی زنان و مردان، این فرزندان کارگران و زحمتکشان، لرزه بر اندام می‌گیرند. دشمنان زندگی، سرزمین سوخته می‌خواهند اگر به کامشان نباشد تا سرکانی‌ها، این سرچشمه‌های زندگی را بخشکانند و بسوزانند و نام‌هایی که بازگوی آن‌اند که با تولید کل فرآورده‌های کشت و کار و کشاورزی با تمامی سوریه برابری دارند.

تمامی این نواحی در «روژآوا»، پاره ای از کردستان با افزون بر دو میلیون نفر، ۲۰ در صد از جمعیت ۲۱ میلیونی سوریه، دیاری که با «رمیلان» اش، میزان منابع نفت و گاز آن با اندوخته‌ی نفتی کرکوک برابری می‌کند و میزان منابع نفت «رمیلان» به تنهایی با کلیه منابع نفتی دیگر سوریه برابر می‌شود.

با طرح «کمر بند عربی»، به دست حکومت بعث، تلاش شد تا کردها را کوچران و عشیره‌های عرب وفادار به حکومت بعث سوریه و برخوردار از کشت و زمین و برخی به اجبار کوچ در برخی مناطق از جمله در بخش‌هایی از «جزیره» اسکان دهند. سیاست همه حکومت‌های استبدادی، صفویه و نادر افشار در ایران، با کوچ کردن به قوچان و حتی فارس، و عثمانی‌ها در ترکیه؛ رضا شاه و البکر و صدام و... چنین بوده است. سه دیار از یک دیگر جدا سازی شده اما اینک، مجال این را یافته تا با هم

سرکوب و کشتار در سوریه، در تراکم سالیان ستم، باروت خشم فروخته‌ی سالیان بردگی بود. مرداب انگل‌های حاکم، مدفن مارهای غنوده بر گنجینه‌های طلا و خون، در حال فروخوردن موش‌های فربه در خویش. مرداب به اسد و همقطاران خوش آمد می‌گوید، فذافی چشم به راه مانده است و پدرخوانده با ردای عزرائیل در کنار خمینی و خلخالی در درگاه دوزخ به پیشواز ایستاده است، با هیچ احساسی - همانگونه که بر بال ایرفرانس، باهیچ بی هیچ حس و عاطفه‌ای، او که به ویرانی آمده بود و کشتار بر قبرستان فرود آمد و خورشید را به زیر خاک برد، آمد تا خاوران را بگستراند. با تابستان ۶۷ و پیش تر، از همان روز، از ۵۷ تا کهریزک با خلف و ولای والی اش تا اکنون.

اینک، پایگاه تروریست‌ها و انتحاریون، فروپاشیده در روژآوا، در ترکیه نوعثمانیسم برپا شده و همقطاران در ایران و عراق و لبنان. «روژآوا»، را با درازایی افزون بر ۷۰۰ کیلومتر از «دیرک» تا «عفرین»، که نامی است جهانی، نمادی از همبستگی در محاصره و اشغال، در میانه، مرزهای سرمایه با حکومت‌های پیرامونی شب پای آن، پیوند و سمپاتیکی، همانند روزی که کوبا، با «چه»، روزی که با نام سوسیالیسم چه گوارا، و نه کوبای امروزی در نکت لابه گوی حکومت اسلامی و پوتین آبرو می‌گرفت. کوبانی، برافراشته در کنار «دشت سوروج»، با «گری سپی» (تل ابیض)، «عین عیسی»، «منبج» و «جربالوس» از جمله شهرهای دیار کردستان غربی، افزون بر ۵۰۰ هزار نفر، از نفرهای دگرگون شده برای خودگردانی در یک جهش، نبردی چندین ساله را به نمایش می‌گذارد.

در آن سو تر، «عفرین» افزون بر ۵۰۰ هزار نفر که با کوچ اجباری به این دیار و اینک در اشغال راهزنان و اردوغان با «عزاز»، «جبل سامان» و «ادلیب»، که شمار ساکنان آن اینک



پروژه سرکوب به رهبری ترکیه

از نوامبر ۲۰۱۲ که پروژه سرکوب و اشغال «روژئاوا» از سوی ترکیه به رهبری گروه های اسلامی در دستور کار نهاده شد و روز ۱۶ جولای با یورش داعش به «روژئاوا» این پروژه، میدانی گردید نزدیک به ۶ سال می گذرد. هدف نخست ترکیه در آن زمان، محاصر جزیره بود. باید «سریکانی» از دست مردم خارج شود و «حسکه» و «دیرک» اشغال کرده تا جزیره و همزمان کوبانی به محاصره درآیند.

«سریکانی» (سرچشمه)، پیوند کلیدی اقلیم «جزیره» و «کوبانی» است که شهر «گره سپی» را در میانه دارند. نقشه ی خونبار با سازمانیابی و مقاومت یگان های ویژه زنان و مردان، کارگران و زندگی آفرینان ایستادگی کرد، سریکانی سرفراز ماند. ماه جولای بار دیگر، گروه بندی های اسلامی سرمایه، مزدوران، به «گره سپی» و «تل کوچر» یورش آوردند تا کوبانی را به محاصره گیرند. دشمنان مردم، با یورش به «سرکوجر»، «رمیلان» را نشانه گرفته بودند. «گری سپی» در شرق «کوبانی»، و کرانه فرات در غرب، آب و برق منطقه را نیز برآورده می سازد، کلیدی بودند برای دولت اسلامی مورد نظر سرمایه. دولت آمریکا به دولت ترکیه وظیفه داده بود تا سرچماقدار این یورش باشد. بایستی اسلامی به سان اسلام حاکم در ترکیه سراسر خاور میانه و بخش های مسلمان نشین آسیا و شمال آفریقا، حاکم می شد، از عراق تا سوریه و مصر و فلسطین و حتا نیجریه.

جبهه النصر، وظیفه یافته بود تا مقاومت را سرکوب و منطقه را برای نوعمانیسم اسلامی ترکیه و سرمایه داری جهانی، ایمن بدارد؛ تا روژئاوا، کانونی برای آزمون های شورایی و خودگردانی نباشد؛ تا دختران و زنان پرشور و آزاده، جوانان و آزدیخواهان برآمده و روی آورده از دیاران دیگر به این سوی، در منطقه ای مسموم در سم اشباع اسلامی و ارتجاع، دانشکده های انقلاب را در جبهه های رزم و کار خودگردانی، فارغ از هر مرز و چارچوب اندیشه و مرام، به تجربه نگذارند.

سوریه اهمیت می یابد. ترکیه و حکومت های اسلامی ایران عراق و اقلیم، در برابر ستم برانی که با سازمانیابی سرزمینی با گرایش شورایی و خودیار، خودگردان و خود پوی روی به کشف نیرو و سازمان های انقلابی خویش دارند، در هراس و بیمناک اند و آنتی تز خویش را در برابر می بینند.

یگان های دفاع از خویش

یگان های رزمنده و مسلح، در بردارنده ی زنان و مردان کردستان و عرب و دیگر ملیت های این دیار در کردستان سوریه برای دفاع و بقای انسانی خویش با خودیاری داوطلبانه به سازمان یابی برخاستند. در نبود سازمان های انقلابی کارگران و کمونیسم انقلابی «حزب اتحاد دموکراتیک» و «شورای ملی کرد» با ساختار نیروها یگان های ویژه خلق - «ی.پ.گ.» و «ی.پ.ژ» به رهبری این نیروی به رهایی برآمدند.

در نیمه ی سال ۲۰۱۲ تا کنون زنان و مردمان کار و آفرینش، با چنگ و دندان، نان از زمین و کلاش بر شانه رزمی دلیرانه، برای دفاع از هستی و هویت و نام و عزت نفس خویش و هستی زمین یک تنه، تنها به پشتوانه اراده و دریافت تا کنونی از خود رهایی، به پشتوانه زنان و دختران به پا خاسته در یگان های ویژه خویش - یه کینه هانی پاراستینا ژن - (Yekîneyê Parastina Jen - YPJ) دوش به دوش به کینه یانی پاراستینا گه ل - (Yekîneyên Parastina Gel - YPG) در برابر حکومت سرمایه داری اسلامی ترکیه نو عثمانی، و زیر تهدید حکومت اسلامی ایران و عراق، و در برابر ارتش اسد و سپاه قدس که برخوردار از پشتیبانی های جنایت بار مافیای روس بوده و نیز در برابر دسیسه های و هماهنگی های حکومت های آمریکا، سرمایه داران اروپا و چین ایستادند. نیروهای مردمی، از آن زمان تاکنون توانستند بخش های گسترده ای از آن دیار را به خودگردانی درآورند. در نبود سازمان انقلابی کارگران، نبود حزب کمونیست و انترناسیونالیسم کارگری، اما با برخورداری از حضور و پشتیبانی ها و جانبازی های کمونیست های انترناسیونالیست در ایستادگی تا اکنون.

۱۹- گردان شمال ۲۰- گردان جندالله
۲۱- جوانمردان جربوی ۲۲- گردان احرار الطوافی ۲۳- گردان سرین ۲۴- گردان اهل السنه ۲۵- گردان مارعی ۲۶- گردان عایشه ۲۷- گردان احرار الشام ۲۸- گردان احرار ابو راسن ۲۹- گردان احرار الحرب ۳۰- تیپ انقلابیون رقه ۳۱- گردان اسامه بن زیاد ۳۲- گردان القارعه ۳۳- گردان الموحدین ۳۴- گردان طائفه المنصوره ۳۵- گردان الله اکبر ۳۶- تیپ الضلال ۳۷- گردان المدینه المنوره ۳۸- فداییان انقلاب ۳۹- گردان شهدای الظاهریه ۴۰- گردان شهید حسن الخلف ۴۱- واحدهای ابن القین ۴۲- گردان ملی ۴۳- گردان شهید ابو لطیف ابوالخطاب ۴۴- مجلس نظامی رقه ۴۵- گردان احرار الشدادی ۴۶- گردان انورالحق ۴۷- گردان احرار جبال عبدالعزیز».

این جماعت از رده ی خونخواران، از زیر زمین و «از دخمه های قرون و اعصار» بیرون نخزیده بودند. اینان، همه گروه بندی های ایدئولوژیکی بودند که تنها چهره ی پیدایش و هجوم سپاهیان صدر اسلام تا حجاج بن یوسف و همه امویان و عباسیان را به نمایش می گذاشتند. اینان، در حاکمیت سرمایه، نماد فساد و جنایت سرمایه در هزاره سوم میلادی اند. اینان برگزیده و آموزش یافته در همان انجمن ها و مساجد ساخته شده ای اسکان داده پیرامون کلان شهرهای سرمایه اند. یا در فقر و سرکوب مسخ شده در بحران بی هویتی و تزریق قتلوی کتابشان بسیج شده، از لندن، پاریس، استرالیا، آلمان، سوئد، نروژ، هلند، ایالات متحده، ترکیه، ایران، عراق، اردن و مصر و فلسطین، چین و ازبکستان و مسکو و لیبی و مراکش و بیش از ۴۰ کشور به همانگونه که باند آدمکش، فریبکار و دیوسرشت خمینی از کنفرانس سران ۵ حکومت به تدبیر نشسته در گوادولوپ به پیشنهاد رهبر بورژوازی فرانسه، ژیسکار دستن، بر فراز خیزش سراسری نشانیده شد تا سرمایه و مناسباتش را پاسدار باشد؛ و سلف و منشا هرچه داعش، تروریسم، و رعب و وحشت در جهان شود، تا داعش، حماس و هزار دسته ی ایدئولوژی اسلامی را با بمب، ترکیبی مقدس سازند و تولید و بازتولیدگر باشند و صهیونیسم، نیمه ی دیگر خویش را در قامت فاشیسم مذهبی، در برادر- دین خویش همزاد باشد.

«روژئاوا» اینک دستکم از دو کانون استراتژیک سیاسی/ جغرافیایی و اقتصادی برای سرمایه جهانی، «غرب» و ایالات متحده آمریکا، نوعمانیسم اسلامیسم ترکیه، از سویی و از سوی دیگر بلوک «ارواسیا» به رهبری مسکو به سر به فرمانی حکومت اسلامی ایران و



داعش با تانک و خرید نفت سرقتی در بازار به شیوه «مال خران»، سرمایه داران در ترکیه، اسلام داعشی را آنگونه که سرمایه جهانی می خواهد، تسلیح و تجهیز می کند.

در «گری سپی» و «جزیره» از جمله نیروهایی از عشیره عرب "شمّر" که در گستره‌ای خطی از کردستان سوریه تا عراق انتقال یافته اند، عاملین اجرای طرح ضد انسانی حکومت ترکیه است. "احمد عاصی الجبرا" رهبر «ائتلاف ملی سوریه» از این عشیره است. و چه نیکو که می‌توان از همراهی و همراستایی برخی عشیره‌های عرب با مبارزان "یگان های مدافع خلق" در نبرد علیه جبهه النصره در «گرکی» و «جرابلوس» یاد کرد.

ارتش سرکوبگر و جنایتکار سرمایه‌داران در ترکیه، با تانک‌ها نشسته در کمین. به بهانه ایجاد منطه امنیتی برای حفاظت مرز و نیز پناهجویان کرد و سوری، در حالیکه پناهجویان را در آنسوی سیم خاردار و هر دستی برای یاری، با گلوله و گاز اشک آور پاسخ می‌گویند.

داعش و دولت اسلامی با «ام آی ۶» بر سینه‌های ایزدیان و پیشمرگه‌ها و کوبانیان رگبار بستند و گاز سمی پرتاب کردند و با کاردهای سلاخی سر بریدند. در این سوی، در هر سنگر با سلاح های سبک و کهنه، در سنگر بزرگ سراسری به گستره ی روزآوا در برابر ایدئولوژی اسارت‌بار سرمایه با تمامی گروه بندی هایش، و اردوغان و پان ترکیسم، ایستادند و ایستاده‌اند.

در نشست نوامبر ۲۰۱۳ در شهر قاملشلی، پروژه دولت گذار از سوی «حزب اتحاد دموکراتیک» (شرق سوریه)، پیش روی نهاده شد. این اتحاد تا اکنون با جانبازی و ایستادگی گام‌های آغازین شورایی گرای را در «مجلس» ها بر می‌دارند. اگر شوراها به خودآگاهی طبقاتی و سوسیالیسم و سامان یابی انقلابی بر نیایند، اگر سازمان و حزب کمونیست انقلابی به رهبری نباشد، دولت گذار، که دولتی غیرنظامی را نوید می‌دهد در این منطقه با هزینه جویبارهای خون، به قدرت می‌نشیند. بنا به طرح، «حزب

جبهه‌النصره اینک نیروی مزدوری زیر فرمان ارتش ترکیه باقی مانده تا این حرامیان رذالت نهاد، خواهران همزاد در این اقلیم از «عفرین» تا «کوبانی» و «جزیره» را با ۶۰ تا ۷۰ کیلومتر راه بین یکدیگر و اما دل هایشان هم تپش را به محاصره گیرند.

گروه های اسلامی، پیش از داعش به پشتیبانی نوتراریسم ترکیه، نقشه‌ی یک دولت اسلامی را که از دیرالزور تا مناطق شمالی "روژناوا" را در بر می‌گرفت آشکار ساخته بودند، و در آرزوهای پلیدشان بود که کوبانی پایتخت این دولت اسلامی اعلام شود. خیزش در کردستان سوریه در ۱۹ جولای ۲۰۱۲ از شهر کوبانی برخاسته بود.

«در نشست که در تاریخ ۱۵ تا ۱۷ جولای ۲۰۱۲ در شهر استانبول برگزار شد، پیش بینی شده بود تا «جشن رمضان» به عنوان روز اعلام این دولت اسلامی تعیین شود، اما با تحمل شکست در سریکانی، اجرای این طرح به ۱۵ و ۱۶ آگوست موکول شد.» (iii)

بر همین پایه، پس از نشست استانبول در تاریخ ۲۶ جولای ۲۰۱۲، نشست دیگری در شهر «انتپ» ترکیه، به پشتوانه دولت اسلامی ترکیه، نقشه قتل عام کردها پیشنهاد شد. عاملین اجرای طرح ضد انسانی حکومت ترکیه است. "احمد عاصی الجبرا" رهبر «ائتلاف ملی سوریه» از این عشیره بود. عشیره ی «شمّر» از سال ۱۹۴۵ با شکل گیری سوریه، تا کنون همواره با حکومتگران بوده است. "سلام الموسلین" جانشین «الجبرا» در گفتگو با شبکه تلویزیونی الجزیره (به یارانه قطر) گفته بود تا آن هنگامی که کودکانمان بمانند، نخواهیم گذاشت کردها صاحب هیچ حقوقی باشند.» (iv)

شاخه ای از اخوان المسلمین سوریه که زیر نام "لیوای توحید" شناخته شده و پایگاهی امن از سوی دولت ترکیه، همسان با القاعده، نیروی اصلی این کشتار تجهیز شد. دولت ترکیه، راهکار برپایی جنگ میان عرب-کرد را به نیروهای اسلامی رهنمود می‌دهد. تجهیز

آنگونه که برای آدونیس های سوریه سرودم، «جویندگان زندگی، پیکارتان پیروز، بر دستهایتان بوسه و شراب، پروازتان بر فراز.» [vi]

آبانماه ۱۳۹۷/ نوامبر ۲۰۱۸

[i] آدونیس های زمینی، چکامه سرایان سوریه <http://www.azadi-b.com/> arshiw/?p=۳۰۲۰۳ نوشته عباس منصوران، ۲۴ دسامبر ۲۰۱۱.

[ii] جزیره در واقع منطقه ای در شمال سوریه که تا ترکیه گسترده است.

[iii] آدونیس های زمینی، چکامه سرایان سوریه <http://www.azadi-b.com/> arshiw/?p=۳۰۲۰۳

نوشتاری از عباس منصوران ۲۴ دسامبر ۲۰۱۱ http://www.nnsroj.com/fa/4detiles.aspx?id=5510&ID_map=19

سایت خبری تحلیل روز - NNS ROJ نوشتار روزآوا "چیست و در این بخش از کردستان چه روی می‌دهد؟ به روز شده در ۲۰۱۳/۹/۸ | شنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۲ / ۲:۳۱



شکل گیری بدیل انقلابی و سوسیالیستی از کدام مسیر می گذرد؟

در بخشهای مختلف، فراتر رفتن معلمان از کانون صنفی به شوره های مبارزاتی و بسیاری نمونه های دیگر، شاخص های عینی وضعیت جدیدی هستند که پدید آمده است. تصادفی نیست اگر نیروهای اپوزسیون بورژوائی جمهوری اسلامی برای تداوم فشارهای آمریکا سرو دست می شکنند. آنها به غریزه و به تجربه هم دریافته اند که فشارها و محاصره اقتصادی اگر تشدید شود می تواند به نوعی جابجائی قدرت در بالا و یا دست به دست گشتن قدرت از یک جناح بورژوائی به جناح دیگر منجر شود. بنا بر این طبیعی است اگر آنها از ترس انقلاب به چنین روندی پناه ببرند.

اما این وضعیت جدید امکان میدهد، که آهنگ حرکت مبارزات جاری را تندتر شوند و پاسخ دادن به الزامات این دوره جدید را در دستور کار قرار می دهد. به عنوان چند الگو برای روشن شدن مطالبات، باید تلاش کرد تا مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه به پیروزی مورد نظر کارگران که در شعارهایشان خود را نشان می دهد منجر شود. باید تلاش کرد تا کارگران مجتمع فولاد به خواسته هایشان برسند. و حقوق معوقه خود را دریافت کنند و جلو تعطیل شدن این مرکز تولیدی را بگیرند. باید مبارزات توده ای بر علیه گرانی و کمبود به بهتر شدن شرایط معیشتی مردم منجر شود. در کنار همه اینها و در نتیجه پیشروی و پیروزی این مبارزات، باید برای متکی کردن تشکلهای موجود کارگری به مجامع عمومی کارگران کوشید. با درک درست از شرایط تغییر یافته کنونی باید برای ایجاد تشکل های توده ای دیگر آستین ها را بالا زد. همزمان وقت آن است که زنان آزاده عملا خود را از قید حجاب اجباری رها سازند، درهای استادیوم ها را بر روی خود بگشایند، مالباختگان اموال غارت شده خود را پس بگیرند، باید به یاری کولبران در مرزها شتافت و نگذاریم که بیش از این بوسیله پاسداران این نظام در مرزها خونشان ریخته شود، همه اینگونه اقدامات مسیری را ترسیم می کنند که می تواند به شکل گیری بدیل انقلابی و سوسیالیستی برای آینده جامعه ایران منجر شود. هر چقدر هم این مسیر طولانی شود، باید آنرا پیمود، راه میانبری وجود ندارد. بدون شکل گیری چنین بدیلی سخنی از سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی نمی تواند در میان باشد. هر پروسه دیگری جز این تنها در خدمت انتقال قدرت از جناحی از سرمایه داران به جناحی دیگر، خواهد بود.

جمهوری اسلامی نقشی جز در حاشیه نقش روسیه ایفا نکرده است. در فلسطین پول های قطر جای شعارهای دهن پرکن جمهوری اسلامی را گرفته اند. در عراق و در افغانستان جمهوری اسلامی و آمریکا عملا باهمدیگر همکاری می کنند. در لبنان حزب الله بخشی از ساختار سیاسی و حاکمیت این کشور است و بدون جمهوری اسلامی هم به حیات سیاسی خود ادامه می دهد.

اما آنجا که به کارگران و مردم تهیدست ایران مربوط می شود، محاصره اقتصادی هم فقر مردم را تشدید کرده است و هم به جمهوری اسلامی امکان فریبکاری و مظلوم نمائی داده است. از اینرو فشارهای اقتصادی آمریکا برای وادار کردن جمهوری اسلامی به سازش های معینی، عامل آن تحولی نیستند که ما آنرا تغییر توازن قوا به نفع جبهه مردم ارزیابی می کنیم. اعتراضات گسترده دیماه گذشته در شرایطی روی دادند که هنوز خبری از خروج آمریکا از برجام و مجازاتهای اقتصادی جمهوری اسلامی نبود. بحران اقتصادی جمهوری اسلامی با تحریم های آمریکا شروع نشده است و با رفع این تحریم ها هم برطرف نخواهد شد. اعتراضات دیماه گذشته و اعتصاب ها و تظاهرات و شورش های شهری دیگر متعاقب آن در شرایطی صورت گرفتند که هنوز تحریمی اعمال نشده بود و روابط جمهوری اسلامی با کشورهای غربی بر اساس توافق برجام پیش می رفت.

در واقع از دیماه گذشته جامعه ایران وارد مرحله جدیدی شد. مرحله ای که در آن مردم معترض مرعوب اعمال سرکوبگرانه رژیم نمی شوند، امیدی به اصلاح رژیم ندارند و تحقق خواست ها و مطالبات خود را با جدیت پیگیری می کنند. مرحله ای که در آن عنصر آگاهای بر عنصر خشم و هیجانات آنی برتری دارد. مرحله ای که در آن مبارزات کارگری و توده ای پیوستگی دارد و مردم معترض از هر پیروزی برای پیروزی بعدی نیرو می گیرند. مرحله ای که در آن که قدم به قدم به شکل گیری تشکلهای توده ای نزدیک تر می شویم، رهبران و چهره های کارآمدی به جامعه معرفی می شوند، مرحله ای که زمینه های عینی رشد جریانهای رادیکال و چپ و همگرایی آنها را تقویت می کند. مرحله ای که در آن شعار اتحاد کارگران اتحاد، از محدوده یک مجتمع تولیدی فراتر می رود. همبستگی کارگران صنایع فولاد و نیشکر هفت تپه، کارگران راه آهن سراسری

این واقعیت را دوست و دشمن به روشنی می بینند که توازن قوای بین جمهوری اسلامی و توده های محروم و ستمدیده جامعه، به نفع جبهه مردم تغییر کرده است. از یک طرف رژیم استراتژی روشنی برای مقابله با بحرانهایی که با آن روبرو است ندارد و از طرف دیگر به کارگیری قدرت سرکوب رژیم، مردم معترض را مرعوب نمی کند. این تحول اما یک شبه اتفاق نیفتاده است و محصول کشمکش طولانی مدت در صحنه های مختلف مبارزه سیاسی و طبقاتی در ایران است. اگر از دیماه گذشته به این سو این تغییر تا حدودی محسوس بود، اکنون دیگر به یک واقعیت غیر قابل انکار تبدیل شده است. بسیاری در عین اینکه این تحول را می پذیرند، اما علاقمند هستند که آنرا به فشارهای آمریکا و تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی مربوط کنند. هواداران این ارزیابی نادرست، آنچه را که در عمق این جامعه در جریان است نمی بینند یا در واقع نمی خواهند ببینند. بگذارید جوانب مختلف این ارزیابی را بیشتر بشکافیم.

روشن است که جمهوری اسلامی دستی در کانون های بحرانی منطقه، نظیر سوریه، لبنان، فلسطین، یمن و جاهای دیگر داشته است و سیاست دولت آمریکا هم این است که این نقش را محدود کند. اما باوجو این، مراکز تصمیم گیری در کشورهای غربی، بهتر از هر کسی می دانند که کلید آرامش خاورمیانه در دست جمهوری اسلامی نیست. هم دولت آمریکا و هم جمهوری اسلامی هر کدام به دلایلی در مورد نقش جمهوری اسلامی در کانون های بحرانی منطقه بزرگنمایی می کنند. بزرگنمایی کردن نقش ایران از جانب آمریکا، در عین حال ابزاری برای سرکبسه کردن دولت های عربی و بازگرداندن دلارهای نفتی به خزانه آمریکا بوده است. با تهدیدات توخالی جمهوری اسلامی در مورد نابود کردن دولت اسرائیل، ابزار گسترش میلیتاریزم اسرائیل و سرکوب بیشتر مردم فلسطین بوده است.

فشارهای دولت آمریکا همزمان هم بر جمهوری اسلامی سنگینی می کند و هم بر علیه اکثریت مردم ایران است. تا آنجا که به جمهوری اسلامی مربوط است همانطوریکه اشاره شد، هدف آن محدود کردن دامنه زیاده خواهی (و نه سهم خواهی) رژیم در سطح منطقه است. اعمال این فشارها تا همین اکنون هم به نتایج چشمگیری منجر شده است. به عنوان مثال، جمهوری اسلامی در حال عقب نشینی از سوریه است. اگر در سوریه رژیم بشار اسد بر سر کار است،

ضرورت هماهنگی مبارزات بخش‌های مختلف جنبش کارگری برای شکست جمهوری اسلامی

خود کارگران و یا نظارت مستقیم بر آن هستند. کارگران صنایع فولاد نیز در مقابل توطئه به تعطیل کشاندن این مجتمع بزرگ کارگری توسط دولت، خواهان راه‌کاری جدی برای تضمین ادامه کاری آن هستند.

در چنین شرایطی مطمئناً رژیم در موقعیت بسیار ضعیفی قرار دارد. ابزار سرکوب در مقابل شرایط به غایت سخت معیشتی کارگران و مردم تهیدست کارایی خود را از دست داده است. درماندگی و ریاکاری سران و مسئولان رژیم در عقب نشینی‌های قطره چکانی و پرونده سازی جعلی امنیتی برای فعالین کارگری نمی‌تواند کارگران را قانع کند. تشکیل جلسات "شورای امنیت کشور" برای بررسی این اعتراضات و به میدان آوردن نیروی سرکوب گارد ویژه و مزدوران بسیجی و آخوندی با حمل عکس جنایتکارانی چون خمینی و خامنه‌ای و اظهارات مزبوحانه رئیس دادگستری شوش که گویا "قوه قضائیه از مطالبات به حق کارگران نیشکر هفت تپه حمایت لازم را می‌کند"، دقیقاً نشان از همین ریا کاری و درماندگی رژیم دارد.

اما برای پیروزی نهایی کارگران هفت تپه و فولاد، ضروری است کارگران دیگر بخش‌های تولیدی و خدماتی و حمل و نقل نیز تنها به دادن اطلاعاتی حمایت و پشتیبانی اکتفا نکنند و برای مطالبات خود همزمان با هزاران کارگر فولاد و هفت تپه دست به اعتصاب و اعتراض بزنند. تلاش برای ارتباط و تماس هدفمند و مداوم میان فعالین و نمایندگان مراکز کارگری برای ایجاد شورای هماهنگی فعالین بخش‌های کارگری در چنین شرایطی می‌تواند در پیروزی و به سرانجام رساندن مبارزات کارگری عامل مهمی باشد. این اعتراضات همچنین می‌تواند بستر مناسب و نقطه عطفی برای جنبش دانشجویی نیز باشد. گرچه دانشجویان و استادان تعدادی از دانشگاهها در تجمعات خود از مطالبات و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و صنایع فولاد حمایت و پشتیبانی کرده‌اند اما چنین شرایطی زمینه مناسبی برای طرح خواست و مطالبات جنبش دانشجویی و اعتراض و اعتصاب در همه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی را نیز فراهم کرده است.

برگرفته از سخن روز

تلویزیون حزب کمونیست ایران

۳۰ آبان - ۱۳۹۷

۲۱ - ۱۱ - ۲۰۱۸

که اعلام کرده‌اند با افتخار آماده قبول وکالت کارگران دستگیر شده هستند، اطلاعیه پشتیبانی گروه اتحاد بازنشستگان و اطلاعیه‌های حمایت و پشتیبانی همه احزاب و سازمان‌های چپ و کمونیست ایران، اطلاعیه پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد و نامه اتحادیه معلمان انگلستان در حمایت از سندیکاری کارگران هفت تپه، بخشی از این حمایت‌ها در پشتیبانی از کارگران صنایع فولاد و کارگران نیشکر هفت تپه و علیه محکوم کردن دستگیری کارگران و توسل به خشونت علیه آنان از جانب جمهوری اسلامی است.

کارگران در این نبرد طبقاتی تنها گوشه‌ای از قدرت و توان خانواده ۵۳ میلیونی خود را به سرمایه داران، رژیم اسلامی و اعوان و انصار دزد و فاسد و دیگر دشمنان رنگارنگ شان نشان داده‌اند که به کابوسی برای آنها تبدیل شده است. در جریان این مبارزات اگر کارگران هم پیمانان و دلسوزان خود را بیشتر شناخته‌اند، دشمنان خود را نیز بهتر شناختند. واضح است جمهوری اسلامی به ویژه با بحران‌های عمیق و همه جانبه که در آن دست و پا می‌زند، درمانده تر از آن است که قادر به برآورد و پاسخگویی مطالبات کارگران باشد. در چنین شرایطی رژیم ابزاری جز فریب و دروغ و تهدید و سرکوب دم دست ندارد. اما کارگران هفت تپه و صنایع فولاد نیز که کارد به استخوانشان رسیده است راهی جز ادامه مبارزه پیش رو ندارند. آنان پاسخ تهدیدات رژیم را هم با شعار "نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد"، دادند و هم با تداوم تجمعات و اعتراضات پس از دستگیری ۱۹ نفر از نمایندگان و فعالین کارگری، بروز دادند و رژیم را وادار به آزادی آنان کردند. پس از آزادی آنان نیز نشان دادند که خواسته‌ها و مطالباتشان سر جای خود هست و قول و قرار مسئولان برای پرداخت یک ماه از چهار ماه دستمزد کارگران و وعده در راه بودن پرداخت دستمزد یک ماه دیگر را قبول ندارند. آنان بار دیگر صراحتاً اعلام کردند که نه تنها خواهان آزادی اسماعل بخشی و گرفتن کل دستمزدهای معوقه هستند بلکه بر فسخ قرار خصوصی سازی مجتمع نیشکر هفت تپه نیز مجدداً تأکید کردند و مخالفت خود را با خصوصی سازی شرکت، که سیاست ضد کارگری نتولیرالی سرمایه داران است، اعلام نموده و خواهان مالکیت و بدست گرفتن اداره شرکت توسط

تجمع اعتراضی و تظاهرات کارگران مبارز نیشکر هفت تپه در اعتراض به خصوصی سازی و عدم پرداخت دستمزدهای معوقه شان نوزده همین روز خود را پشت سر گذاشت. کارگران مبارز مجتمع بزرگ کارگری صنایع فولاد اهواز نیز دوازده همین روز از اعتصاب اعتراضات و تظاهرات پیگیر و مصممانه شان را با درایت و هشیاری پیش بردند. آنان وضعیت نابسامان معیشتی و خواست و مطالبات کارگران را توضیح داده‌اند. کارگران هر دو مجتمع به درست در سخنرانی‌ها و شعارهایشان رژیم جمهوری اسلامی سرمایه را به عنوان بانی و مسبب این اوضاع فلاکت بار دست نشان کردند. در این مدت کارگران و خانواده‌هایشان عزم و اراده راسخ خود را به ادامه اعتراضات تا رسیدن به همه خواست و مطالباتشان با اتکا به نیروی متحد خود و دیگر کارگران، توده‌های مردم زحمتکش و سایر اقشار ستمدیده اعلام نموده‌اند. یکی دیگر از ویژگی‌های این دوره از مبارزات کارگران حضور پررنگ و فعال زنان کارگر در اعتراضات و تظاهرات‌ها است که بدون شک قدرت و نیروی کارگران را در مبارزه علیه رژیم دو چندان کرده است.

اخبار لحظه به لحظه تداوم اعتراضات برحق کارگران این دو مرکز بزرگ و مهم کارگری ایران در سطح وسیعی در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های همگانی داخلی و خارجی منتشر شده است و موجی از حمایت و پشتیبانی هم پیمانان طبقه کارگر در داخل و خارج را به دنبال داشته است. بسیاری از دیگر مراکز کارگری، انجمن‌ها و نهادهای مدنی، معلمان مبارز و استادان دانشگاه و دانشجویان و دانش آموزان، وکلای شریف و آزاده و توده‌های مردم ستمدیده شهرها به ویژه شهرهای خوزستان و افکار عمومی از اعتراض کارگران حمایت کرده‌اند. اعلام پشتیبانی کارگران هیکو در اراک، پتروشیمی ماه شهر و بندر خمینی، پارس جنوبی، فعالان کارگری جنوب و شوش و اندیشک و محور تهران، سندیکای رانندگان شرکت واحد تهران و حومه، اطلاعیه پشتیبانی جمعی از زندانیان سیاسی رجایی شهر کرج، اطلاعیه پشتیبانی رانندگان ۱۶ اتحادیه، سندیکا، کانون، انجمن، بنگاه‌های حمل و نقل و واحدهای آتش نشانی در سراسر کشور، اطلاعیه حمایتی ۳۰ انجمن کارگران ساختمانی شهرهای کردستان و اطلاعیه ۴۲ تن از وکلا و حقوقدانان

نشریه "جهان امروز" وارد چهار صدمین شماره خود شد!

جهان امروز، نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران، ۱۷ سال پیش در فرمات نشریه‌ی دوره‌ای ۱۵ روزه، آغاز بکار کرد. جهان امروز از شماره ۵۷ به صورت الکترونیکی نیز در اختیار خوانندگان قرار گرفت. سیاست این نشریه پرداختن به برنامه و استراتژی حزب کمونیست ایران در ابعاد سیاسی آن بوده است. این نشریه در همین راستا کوشیده است تا تریبونی برای انعکاس صدای کارگران، محرومان و ستمکشان جامعه‌ی جهان وارونه امروز باشد. این نشریه نیز، بر همین پایه نام خود را تعریف کرده است. "جهان امروز" همواره در تلاش بوده تا افق رهایی‌بخش جهان فردا را نیز به گفتمان ستمدیدگان و تهی‌دستان جامعه ایران نشان دهد. این نشریه اگر چه از امکانات مطبوعاتی حرفه‌ای برخوردار نبوده، ولی اعتبار یک نیروی طبقاتی و اجتماعی در جامعه ایران را با خود داشته و کوشیده است به تقویت گفتمان‌های سوسیالیستی یاری رساند.

آنچه می‌توان کاربرد این تریبون را نیرو بخشد، پشتیبانی، همراهی و دخالتگری همه‌ی کسانی است که انسان امروز را شایسته زندگی و آینده دنیایی بهتر می‌دانند. "جهان امروز" زبان فردای امروز است، فردایی که طبقه کارگر انقلابی، سازمانیافته و آگاهمند و همه محرومان جامعه نقش تاریخی و سرنوشت ساز خود را برای ساختن جهانی نو ایفا می‌کنند. ما نویسندگان و دست‌اندرکاران "جهان امروز" دست‌های پشتیبانی و همراهی شما خوانندگان عزیز را در پیشبرد این وظیفه سیاسی طبقاتی به گرمی می‌فشاریم.

اطلاعیه کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران در باره اعتراضات کارگری و توده‌ای در ایران و وظائف ما در خارج از کشور

مردم آزادیخواه و مبارز!

تغییر نسبی توازن قوای مابین حکومت و توده‌های مردم و فرو ریختن ترس آنان از سرکوب، اعتراضات و اعتصابات کارگران و سایر اقشار فرودست در جامعه ایران را وارد مراحل جدیدی کرده است. اعتصاب کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه بر متن این شرایط جدید ۱۴ روز است که در جریان است و همزمان با این اعتصاب و تجمعات وسیع و شکوهمند شاهد اعتصاب و اعتراض کارگران گروه ملی صنعتی ایران در اهواز و دهها حرکت اعتراضی کارگران در اقصی نقاط کشور هستیم.

این اعتصاب و اعتراضات از پشتیبانی و حمایت گسترده سایر بخشهای جنبش کارگری و فعالین این جنبش در داخل و خارج از کشور قرار گرفته است و اخبار آن ابعادی جهانی پیدا کرده است. در سیزدهمین روز اعتصاب و اجتماعات کارگری که ابعاد آن به شهر شوش گسترش یافت و از حمایت مردم این شهر و سایر اقشار آزادیخواه برخوردار شد، شاهد جنب و جوش هراسناک نیروهای گارد ویژه و تدارک آنان برای محاصره و اشغال کارخانه و دستگیری رهبران این اعتصاب بودیم. تا اینکه روز یکشنبه ۲۷ آبانماه و در چهاردهمین روز اعتصاب با آغاز تجمع روزانه کارگران، ابتدا اسماعیل بخشی از رهبران و سخنگویان این اعتصاب دستگیر و سپس کلیه اعضا و نمایندگان کارگری بخش‌های مختلف مجتمع نیشکر هفت تپه دستگیر و زندانی شدند.

ضمن محکوم کردن تهاجم نیروهای سرکوبگر به تجمع کارگران و دستگیری نمایندگان و رهبران آنان، لازم است خارج از کشور را به صحنه اعتراض گسترده علیه جمهوری اسلامی و دفاع از مبارزات کارگری و توده‌ای تبدیل کرد و مبارزات و اعتراضات داخل و خارج را علیه جمهوری اسلامی، موازی با هم پیش برد. شکی نیست که حمایت وسیع جهانی از مبارزات کارگری و توده‌ای و به راه انداختن اقدامات اعتراضی عمومی در خارج از کشور قوت بیشتری را به موج اعتراضات داخل خواهد داد و به روند رو به گسترش آنها کمک به سزایی خواهد نمود.

از این رو کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران کلیه احزاب و سازمانهای سیاسی چپ و سوسیالیست، نهادهای مدافع مبارزات طبقه کارگر و همه انسان‌های آزادیخواه را به اقدام مشترک در خارج از کشور علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از مبارزات رو به گسترش کارگری و توده‌ای فرا می‌خواند.

کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران

۱۸ نوامبر ۲۰۱۸

تلویزیون کومه له

www.tvkomala.com



کومه له

www.komalah.org



حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



از سایت‌های حزب

کمونیست ایران

و کومه له دیدن کنید!